



Photo: Elaine Hunter



Caroun Photo Club (CPC)

www.CarounPhotoClub.com

Bulletin No. 1-1, Fall 2006

نمایشگاه تهران 1385

اولین نمایشگاه گروهی عکس اعضا کلوب مجازی عکس کارون و انجمن عکاسان کانادا در آبان 1385، با 64 عکس از 58 نفر در **گالری هفت ثمر** تهران برگزاری می شود.

همزمان، اولین بولتن کلوب عکس کارون (به فارسی) جهت انتقال و ارتقای دانش عکاسی اعضا، در کنار نمایشگاه منتشر می گردد. این مجموعه شامل تحقیقات، مقالات تکنیکی دیجیتال و فیلمی و مقالات اعضا می باشد، ترجمه و تالیف.

گزارش این نمایشگاه (و هم چنین دیگر نمایشگاه های اعضا، انفرادی یا گروهی) و عکس های مربوطه در www.CarounPhotoClub.com/ بطور دائم نصب گردیده است.

در برگزاری این نمایشگاه از همکاری دست اندرکاران زیر کمال تشکر را داریم:

- هیئت داوران: مریم زندی، ناصر تقوایی و اسماعیل عباسی

- گالری هفت ثمر جهت برگزاری نمایشگاه

- عکسباران (امیر عباسی) برای چاپ عکس و نصب عکس روی فم

- EPSON ، برای چاپ پوستر

- موسسه فرهنگی پژوهش چاپ و نشر نظر، برای اهدای 23 جلد کتاب

- جمعی از عکاسان ایرانی: مریم زندی، جاسم غضبانپور، افشین شاهرودی و رافی آوانسیان برای اهدای کتاب های عکاسی

- مجله تصویر برای اهدای سه دوره کامل مجله

- مجله حرفه هنرمند برای اهدای 5 دوره آبنومان یکساله

- فرناز صدیقی و امیر سعید گرجی (شرکت رایکا) برای طراحی کارت و پوستر نمایشگاه

- مینا مومنی و علی حریه برای تهیه کردن توضیحات زیر عکس های نمایشگاه

- شیرین مدنی و میترا صمدی در انجام امور نمایشگاه

- نیما ناصری جهت تایپ و صفحه بندی بولتن

- فرزانه کوچک خانی جهت همکاری تمام وقت در امور نمایشگاه و دیگر امور صمیمانه سپاسگزاریم.

از هنرمندانی که با ارسال عکس و مقالات خود در برگزاری این نمایشگاه و انتشار بولتن همکاری کرده اند، متشکریم. نمایشگاه دوم در مهر ماه 1386 در ابعاد بزرگتر برگزار می گردد. بولتن شماره 2 پس از گردآوری مقالات اعضا به تعداد لازم منتشر می گردد.

با تشکر

مسعود سهیلی

مدیر کلوب عکس کارون

مسئول بخش خاورمیانه انجمن عکاسان کانادا

مدیر سایت کارون

عضو انجمن عکاسان آمریکا و سازمان عکاسان آزاد آمریکا

نمایشگاه گروهی عکس اعضاء انجمن عکاسی کانادا – پائیز 1385

کلوب عکس کارون (ونکوور ، کانادا) در نظر دارد اولین نمایشگاه سالیانه گروهی عکس را در تهران برگزار نماید. کلیه اعضاء کلوب عکس کارون و انجمن عکاسان کانادا می توانند در این نمایشگاه شرکت کنند.

* محل : گالری هفت ثمر ، تهران (17-12 آبان 1385 ، 8-3 نوامبر 2006)

موضوع عکس : آزاد

* کارهای عرضه شده می توانند دیجیتال ، نگاتیو و یا اسلاید رنگی باشند.

هر عضو می تواند حداکثر پنج عکس ارسال نماید.

* هیئت داوران (خانم مریم زندی و آقایان ناصر تقوایی و اسماعیل عباسی) عکس ها را انتخاب می کنند.

* کلیه عکس ها کد گذاری شده و هیئت داوران بدون دانستن نام عکاس ، عکس ها را انتخاب می نمایند. بنابراین ممکن است کار ارسالی تمامی اعضاء برای نمایشگاه انتخاب نشود.

* عکس های ارسالی از ایران باید در سایز 13×13 تا 13×18 چاپ شوند. پشت عکس ها چیزی نوشته نشود.

* فتوکپی کارت عضویت کلوب عکس کارون و انجمن عکاسان کانادا (دریک صفحه A4) خود را در پاکت ارسالی بگذارید.

* عکس ها به آدرس زیر ارسال شوند. تهران – صندوق پستی 15875-6655 مسعود سهیلی .

* عکس های ارسالی خارج از ایران توسط email فرستاده شوند. فرمت jpg و high quality به ابعاد ماکزیمم 500×500 پیکسل ، تصویر کارت های عضویت نیز به صورت jpg ارسال شوند.

* کلیه کارها بایستی قبل از 25 مرداد 1385 (16 اوت 2006) به تهران رسیده باشند.

* کارهای دریافتی پس از این تاریخ در نمایشگاه شرکت داده نمی شوند.

* کارها در روز 28 مرداد 1385 (19 اوت 2006) داوری می شوند.

* لیست کارهای انتخاب شده جهت نمایشگاه در تاریخ 31 مرداد 1385 (22 اوت 2006) به اطلاع می رسد.

* کلیه اعضائی که کار آنها جهت نمایشگاه انتخاب می شوند (ایران و خارج) می بایستی حداکثر تا 25 شهریور 1385 (16 سپتامبر 2006) ، یک فایل TIFF از کار منتخب به ابعاد 40×30 تا 40×40 سانتی متر با 300 dpi روی CD ارسال نمایند. کار ارسالی نهایی باید نور ، رنگ و کنتراست آن تنظیم و آماده چاپ باشد.

* قیمت کار می بایست جهت اعلام در نمایشگاه توسط صاحب اثر مشخص شود.

* عکسبازان ، اسپانسر نمایشگاه ، عکس ها را چاپ و روی شاسی نصب می نمایند.

* مبلغ کارهای فروش رفته در تاریخ زیر پس از کسر هزینه های حواله پول ؛ برای صاحبان اثر ارسال می شود.

داخل ایران : 1 ژانویه 2006 (10 دی 1385)

خارج از ایران : 1 آوریل 2007

هیچگونه عکس یا CD مسترد نمی شود.

جوایز نمایشگاه

- 1- به پنج عکس اول بر مبنای نظر هیئت داوران مدال طلایی انجمن عکاسان کانادا اهدا می شود.
 - 2- به پنج برنده اول یکسال آئینمان مجله " حرفه هنرمند " تقدیم می شود (اهدایی آقای شهریار توکلی).
 - 3- به سه نفر اول یک جلد کتاب عکس "روزی روزگاری" تقدیم می شود (اهدایی نشر نظر).
 - 4- به سه عکاس منتخب، سه دوره کامل " مجله تصویر " اهدا می شود (از طرف آقای سیف اله صمدیان).
 - 5- کلیه شرکت کنندگان در نمایشگاه که کار آنان جهت نمایش انتخاب شود ، لوح تقدیر از کلوب عکس کارون دریافت می کنند.
 - 6- تعدادی کتاب عکاسی به کارهای به نمایش گذاشته شده اهدا می شود.
- الف) کتابهای عکس آقای نصراله کسرائیان 10 جلد (اهدایی کلوب عکس کارون)
ب) کتابهای عکس خانم مریم زندی 10 جلد (اهدایی عکاس)

پ) کتابهای عکس آقای افشین شاهرودی 10 جلد (اهدایی عکاس)

ج) کتابهای عکس آقای جاسم غضبانپور 10 جلد (اهدایی عکاس)

د) کتابهای عکس آقای رافی آوانسیان 5 جلد (اهدایی عکاس)

ه) 20 جلد کتاب عکاسی و طراحی (اهدایی نشر نظر)

* پنج عکس منتخب اول در مجله انجمن عکاسان کانادا Canadian Camera چاپ می شود.

* یک گالری دائمی از کلیه عکسهای نمایشگاه در این سایت ساخته می شود.

* عکس های خود را در اسرع وقت ارسال نمایید از ارسال عکس های که در نمایشگاه ها و مسابقات قبلی شرکت داشته اند خودداری نمایید.

* برگزار کننده مجاز به انتشار کلیه عکس های ارسالی در اینترنت ، مجلات و می باشد.

عکاسان حرفه ای و آماتور که عضو کلوب عکس کارون و انجمن عکاسان کانادا نیستند می توانند برای شرکت در نمایشگاه تا قبل از 25 مرداد ثبت نام نمایند.

جهت ثبت نام با تلفن 390 4101 - 0912 خانم کوچک خانی هماهنگی نمایید.

گزارش داوری 1385/5/28

از میان 120 نفر اعضای کلوب عکس کارون و (انجمن عکاسان کانادا) از کشورهای ایران، کانادا، فرانسه، آلمان، عراق، هلند، هند و ترکیه، 71 نفر کار خود را جهت شرکت در نمایشگاه عکس تهران ارسال کرده اند.

یکی از اعضای هیئت داوران نمایشگاه (آقای جاسم غضبانپور) به علت تصادف اتومبیل در جلسه ی داوری حضور نیافتند و به این ترتیب هیئت داوران به شرح زیر تغییر نمود :

خانم مریم زندگی

آقای ناصر تقوایی

آقای اسماعیل عباسی

نتیجه داوری

1- 13 کار ارسالی مورد قبول قرار نگرفت .

2- 58 کار تأیید شد، پنج عکس به عنوان بهترین عکس ها و سه عکس برگزیده نیز انتخاب گردید.

3- اسامی برندگان در روز افتتاحیه اعلام می گردد .

4- عکس های منتخب متعلق به عکاسان زیر می باشد که 12- 17 آبان ماه 1385 در گالری هفت ثمر به نمایش گذاشته می شود:

آتنا حجاری زاده- آذین راد- آن علیمی- ابولفضل روحانی- ابوذر رضا ونکی- اردلان قهاری- امیر سعید گرجی - بابک معدن دار- بتول مختاری- بنفشه حجازی- بهار فرقانی فر- پروین حسین زاده- پریسا حبیبی- جمال عثمان پنج ونی - حامد خسروی- حسن سربخشیان- حمیرا یاسری- دانیال سهیلی- دریاناز غریبانی- دره اراکی- راحله زمردی نیا- روزمری کالور- سایه سیار- سیستی وان هکه- سحر سیدی- سعید دهقانی- سیامک زمردی - سوران عبدالله نقشبندی- سید رضاهاشمی- شاهین شهابلو- شهاب اتکال- شهروز نوبخت- شیدا قماشچی- شیرین مدنی- صنم قدس- طرلان رفیعی- علی حریه- فرزاد امامی- فرزانه کوچک خانی- فرهاد وارسته- کیوان پورنصری نژاد- کیمیا رهگذار- گیتی شجاعی- مرآت گرمن- مریم فخمی- مریم خونساری- مسعود محسن زاده- منصور طاهری- محمد حسن امینی- محمد حسین نیکپور- محمد رزاقی زارخ- مینا مؤمنی- نریمان چایچی - نهال چیذری - نیما ناصری - نیکا خاتمی - هما سمن آبادی- هوشمند ورعی.

تا زاده شدم، اولین اثر خود را حک کردم، آن همه زیبایی بر دیواره ی غار ها، من. انسان، خلاق و ویرانگر؛ شدم جادوگر عصر خویش و سوار بر "اسب های غار آلتامیرا" هزاره ها را دویده ام و لحظه لحظه شان را ثبت کرده ام، بر لوح ها و کتیبه ها، بر دیواره ها و اوراق، با استخوان و سنگ، با تیشه و قلم... ساختم و نواختم، نواختم و ساختم، تا می توانستم با کلمه، با صدا، با فرم و رنگ، با نور.

من انسانم و ویرانگر، یا نه! هنرمندم؛ مجسمه سازم، شاعر و آوازه خوانم و نقاشم و عکاس؛ چشم هایم در اختیار اندیشه ام و اندیشه ام را زمانه ورق می زند، بی تردید!

می دزدم لحظه ها را با خاطراتی که در آن قدم می زنند، تا نگه شان دارم برای شما و چشمان فرداهای منتظر! و می تکاّم دنیا را با دستان کوچکم، اگر بخواهم! می بینی سال هاست جهان می لرزد از تصویر رنگ پریده ی مردی نحیف، که ثانیه ای دیگر گلوله ای بر گیجگاهش خواهد چکید!



تاریخچه انجمن عکاسان کانادا

فرزاد امامی
تابستان 1384

انجمن عکاسان کانادا در سال 1998 در نتیجه ادغام انجمن ملی هنر عکاسی (NAPA) و انجمن عکاسی رنگی کانادا (CPAC) شکل گرفت.

(NAPA) National Association for Photographic Art
(CPAC) Color Photographic Association of Canada

آغاز فعالیت انجمن عکاسی رنگی کانادا، به سال 1947 باز می گردد، زمانی که گروهی کوچک از عکاسان آماتور، برای سازماندهی یک انجمن ملی در تورنتو گرد هم آمدند. شکل گیری CPAC در مجلات تبلیغ شد، که به موجب آن در سراسر کانادا دوربین بدست ها، از باشگاههای مختلف، برای پیوستن به این سازمان جدید تشویق شدند.

اتحادیه عکاسی رنگی هالیفاکس، نخستین گروهی بود که به سازمان پیوست. در نوامبر 1949، هیئت مدیره انتخاب و "آلیس پین استارک Alice Payne Stark" اولین رئیس CPAC شد. CPAC نخستین گردهمایی عکاسی رنگی را در سال 1953 و پس از آن در سال 1957 برگزار کرد؛ به دلیل کاهش اعضا تداوم این امر دیری نپایید.

در بهار 1967، گروه کوچکی از عکاسان کانادا گرد هم آمدند، تا درباره لزوم تشکیل انجمن گفتگو کنند، بگونه ای که همه عرصه های عکاسی و از جمله سیاه و سفید را پوشش دهند. CPAC برای این منظور انتخاب نشد، چون محدود به عکاسی رنگی بود. تبادل نظرات آنقدر ادامه یافت، تا در دسامبر 1967، NAPA شکل گرفت. NAPA عکاسان کانادایی را در برگزاری نمایشگاهها، مسابقات، کنفرانسها و کارگاهها حمایت می کرد؛ و ایضا "با مجله هنری" دوربین کانادا Camera Canada". در مدت کوتاهی تعداد اعضا از 225 نفر و 40 کلوب عکاسی به چند هزار نفر و 100 کلوب عکاسی افزایش یافت.

موفقیت NAPA مدیون تلاش های خستگی ناپذیر و نوع دوستانه بسیاری از افراد از جمله مسئولان اجرایی، مدیران و رئیس انجمن بود. اولین رئیس انجمن "لوید سی کیچن Lloyd C. Kitchen"، که مدیری لایق، توانا و منطقی بود، بنیانی مستحکم برای رشد NAPA و جذب محبوبیت مردم پایه گذاری نمود. "جون پاول Joan Powell"، سردبیر Fotoflash، برای آماده سازی و چاپ کارهای فوق العاده ای انجام داد، تا ما را درباره وقایع عکاسی کانادا مطلع و به روز نگاه دارد. دبیران ملی از "هلن هنکاک Helen Hancock" تا دبیر فعلی "لئونا ایساک Leona Isaac" نقش عمده ای در حفظ این سازمان ایفا کرده اند. سردبیر مجله دوربین کانادا "فریمن پترسن Freeman Peterson"، که طراح صحنه نیز بود، برای رسیدن به اهدافی که در برنامه بود، همکاری کرد و در سال 1969 از سمت خود کناره گیری نمود؛ کتابها، عکسهای زیبا و کارگاه هایش، هنوز راهنمای کانادایی هاست.

NAPA حدود سال 1994، هنگامیکه دفتر مرکزی آن از اونتاریو به مکان فعلی آن در بریتیش کلمبیا انتقال یافت، دستخوش دگرگونی اساسی شد. همزمان، لیتوگرافی، چاپخانه و هیئت تحریر مجله دوربین عکاسی نیز تغییر یافت. در دو دوره ریاست بی سابقه NAPA، "دکتر باب ایتو Dr. Bob Ito" مدیریت مستقیم تغییرات را به عهده گرفت؛ از جابجا کردن وسایل دفتر تا تجهیز سیستم های کامپیوتری. از آنجا که که دکتر ایتو بیش از ده سال در هیئت مدیره فعالیت کرد، کماکان به تجارب و نظرات او در مسایل خاص باور می داریم.

CPAC، NAPA کماکان بطور مستقل عمل می کردند، تا اینکه هیئت مدیره هر دو، در زمستان 1996 در تورنتو گرد هم آمدند. هر دو گروه اتفاق نظر داشتند که یک گروه نیازها و خواسته های عکاسان کانادایی را بهتر و بیشتر برآورده می کند. پس از طی یک دوره دو ساله، سرانجام این دو گروه تحت عنوان "انجمن عکاسان کانادا" (CAPA) Canadian Association for Photographic Art ادغام شدند.

توانایی های دوگروه ادغام و بالنتیجه عملکرد و سرویس بهتری توسط سازمان جدید ارائه شد. بورس، جوایز و لوح افتخار بازنگری و دقیق تر شدند. نمایشگاه ها و مسابقات جدید، عرصه را برای عکاسانی که فکر می کردند و کار خلاق تری داشتند، باز کرد. آثار خلق شده و کار شده با کامپیوتر و هم چنین عکاسی انتزاعی برای خود مأمونی یافتند.

مجله "دوربین کانادا" بیشتر به نشر اطلاعات عکاسی می پرداخت، که در نهایت مجله جدید و فعلی "دوربین کانادایی Canadian Camera" متولد شد. اکنون این مجله محتوی Portfolio و مقالات اعضای منفرد و کلوب های عضو CAPA است. بسیاری از ویرایشگران، چاپخانه ها، آگهی دهندگان در شکل گیری این فصلنامه نقش داشته اند.

نشست سالانه انجمن عکاسان کانادا، نخستین گردهمایی تابستانی CAPA را برگزار کرد. این گردهمایی که بر اساس نمایشگاه گروهی چاپ عکس و هم چنین عکاسی در سفر برگزار می شد، این بار در سال 1993، عرصه را بر وی اسلاید نیز باز نمود. کارگاه های آموزش عکاسی در آخر هفته و هم چنین تورهای عکاسی، که نزد اعضا و مردم محبوب بود، تداوم یافت. تداوم CAPA همچنان بر تلاش اعضای داوطلب و مشتاق آن، استوار است: انجمن عکاسان کانادا به اعضای هنرمند خود کمک می کند، تا آثارشان در این دنیای شگفت انگیز عکس ثبت شود.

مسابقه سالانه دیجیتال انجمن عکاسان کانادا

- این مسابقه هر سال توسط انجمن عکاسان کانادا برگزار می شود: (موضوع آزاد است: عکاسی هنری)
- کلیه اعضا می توانند در این مسابقه شرکت نمایند.
- آخرین مهلت ارسال عکس ها دوشنبه 8 آبان 1385 می باشد. (هر عضو فقط 2 عکس)
- عکس ها توسط برنامه کامپیوتری در سایت CAPA ارسال می شوند.
- عکس ها می توانند دیجیتال، نگاتیو و یا اسلاید باشند. نگاتیو و اسلاید می بایستی اسکن شده و فایل دیجیتال از طریق برنامه فوق ارسال شود.
- عکس ها High Resolution و اندازه آن ها حداقل 768×768 پیکسل باشند.
- کلیه عکس ها می بایستی نامگذاری شده و عنوان داشته باشند.
- تا قبل از پایان مدت فوق الذکر می توانید با مراجعه مجدد، عکس ها ویا عناوین آنها را عوض نمایید.
- کلیه اعضایی که دوره عضویت آنان تا October 2006 به پایان میرسد، میبایستی جهت شرکت در مسابقه، عضویت خود را تجدید نمایند. برای شرکت در مسابقه آدرس Email و شماره عضویت ضروری است. اعضای که کارت عضویت، هنوز بدستشان نرسیده است، وقت کافی جهت شرکت در مسابقه را خواهند داشت.
- هنگام ارسال عکس خود، برنامه مذکور، یک Password به شما می دهد. آن را برای مراجعات بعدی و همچنین شرکت در مسابقه سال بعد نگه دارید. اعضای که در مسابقه سال گذشته شرکت کرده اند، می توانند از Password قبلی خود استفاده نمایند.
- جوایز مانند سال گذشته دوربین و تجهیزات عکاسی برای سه نفر اول است (نفر اول معادل 2500 دلار). ده نفر بعدی هم جوایزی خواهند داشت. برای اطلاع از جزئیات بیشتر مسابقه، به لینک زیر مراجعه شود:

<http://www.CAPAcanda.ca / Digital 2006. html>

<http://www.DigitalCAPAcanda.ca>

11- عکس های خود را از طریق لینک زیر ارسال نمایند:

و با کلیک روی Register شروع نمایند. اگر Password خود را دارید Login نمایند.

12- اعضا جدید، جهت شرکت در این مسابقه می بایستی قبل از دهم شهریور ثبت نام نمایند.

13- همچنین اعضا مذکور در ردیف 8، می بایستی قبل از اول شهریور جهت تمدید ثبت نام خود، اقدام نمایند.

مسابقه عکس کارت پستالی

این مسابقه هر سال توسط انجمن عکاسان کانادا به شرح زیر برگزار می شود:

- عکس ها بایستی روی کاغذ ضخیم و به اندازه کارت پستال چاپ شوند. کاغذ معمولی روی مقوا چسبانده شود. سایز عکس ها 10×15 تا 13×18 سانتی متر باشد.
- موضوع: عکس متناسب کارت پستال. انتخاب با شماست: طبیعت، آستره، تصویری، کاملاً آزاد
- عکس ها باید تا روز اول ماه ژوئن (11 خرداد) به آدرس زیر رسیده باشد:

Myrna Sweet

401 – 2 South Front St. Belleville, Ontario, K8N 5k7 , Canada

Email: WACC@Sympatico.ca Tel: (615) 966-9351

4 - هر عضو می تواند چهار عکس ارسال کند. عکس ها بدون پاکت و جداگانه پست شوند. عکس های ارسالی در پاکت در مسابقه شرکت داده نمی شوند. آسیب دیدگی عکس ها مهم نیست.

5- عکس ها مسترد نمی شوند.

6- پشت هر عکس اطلاعات زیر نوشته شود: عنوان عکس/ شرح موضوع عکس/ اطلاعات فنی عکس بطور خلاصه/ نام عکاس، آدرس، تلفن، Email/ شماره عضویت CAPA

7- CAPA مجاز است عکس های ارسالی را در نشریه چاپ کند.

8- اگر مایلید عکس شما در سایت CAPA به نمایش گذاشته شود، پشت عکس بنویسید: Yes to Website

9- نتایج مسابقه روز اول جولای (10 تیر) در مجله Canadian Camera اعلام می شود.

برای اطلاعات کاملتر از این مسابقات به سایت انجمن www.CAPAcanda.ca قسمت Competitions مراجعه شود.

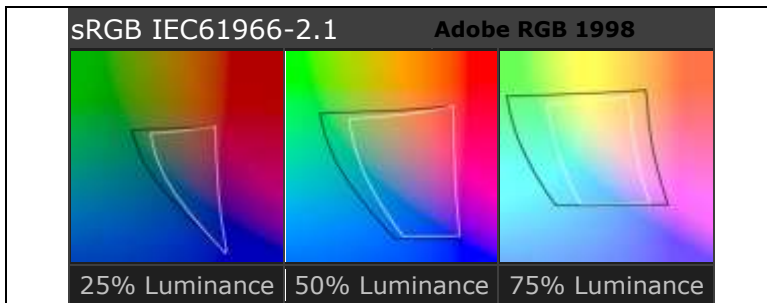
امروزه بسیاری از دوربین های جدید (مخصوصا DSLR ها) امکان انتخاب فضای رنگ را به عکاس می دهد. دو فضای رنگ متداول، که اکثر دوربین ها پشتیبانی میکنند، عبارتند از: sRGB و Adobe RGB. شاید این سوال برای بسیاری از کاربران پیش آمده باشد، که این دو فضای رنگ چه تفاوتی دارند و کدام یک برای کارشان مناسبتر است. فضای رنگ، یکی از مشخصه هایی است که در تهیه عکس با کیفیت بالا، میبایست حتما در نظر گرفته شود. در واقع فضای رنگ مشخص کننده مرزی است که طیف رنگ های قابل دید انسان در آن قرار می گیرد. پس هرچه این فضا بزرگتر باشد، طیف کاملتری از رنگ را در تصویر خواهیم داشت. پس برای چاپ عکس با کیفیت خوب و هم چنین ابعاد بزرگ، انتخاب فضای بزرگتر الزامی است، اما همیشه اینطور نیست.

sRGB

این فضای رنگی طوری طراحی شده، که با بیشتر وسایل سازگار است. مانیتورها، سیستم عامل ویندوز، براورهای اینترنت و پرینترها با این فضا تطابق دارند. نکته مهم این است که همه دوربین های دیجیتال نیز با این فضا سازگارند. اگر دوربینتان امکان انتخاب فضای رنگی را نداشته باشد به طور پیش فرض تصاویرش را در این فضا تولید می کند و اگر امکان انتخاب داشته باشد حتما یکی از فضاهای رنگی sRGB خواهد بود.

Adobe RGB

این فضای رنگ برای دستگاه های چاپ (CMYK) طراحی شده است. Adobe RGB نسبت به sRGB یک فضای رنگی وسیعتر است و طیف کاملتری از رنگها را در بر میگیرد. برای آنکه تفاوت این دو فضا را ببینید به تصاویر زیر توجه کنید: در این تصاویر، فضای رنگ sRGB با رنگ سفید و Adobe RGB با رنگ سیاه نشان داده شده است. در تصاویر طیفهای رنگ در 3 روشیایی کم، متوسط و زیاد مقایسه شده است. همان گونه که مشاهده می کنید فضای رنگ Adobe RGB به وضوح وسیعتر بوده و طیف کاملتری از رنگ ها را شامل می شود. این اختلاف با افزایش شدت روشنایی بیشتر نیز می شود.



نکات مهم :

نکته مهم این است که تصویر تهیه شده در یک فضای رنگ را می بایست در همان فضا مشاهده کرد. یعنی اگر تصویر تهیه شده در فضای Adobe RGB را در فضای رنگ sRGB (مثلا در یک کامپیوتر) نمایش داده دهیم، خطا در نمایش رنگ ها به وجود می آید.

چنانکه که عنوان شد ویندوز و براورهای با sRGB تطابق دارند و نمی توانند فضای رنگ وسیعتر را به طور معمول نمایش دهند. در این موارد تصاویر Adobe RGB کمی کمرنگتر نمایش داده میشود، که علت آن نیز نمایش یک فضای غلط است و میبایست بپذیریم که تصاویر Adobe RGB در مانیتور همین گونه دیده می شود، و بدیهی است که این عکسها میتواند قابل قبول نباشد (عکسهای صفحه بعد).

اگر از مانیتورهای پیشرفته استفاده کنیم و یا تصاویر را در برنامه ای باز کنیم که امکان کالیبره کردن و تعیین فضای رنگ را دارند، تا حدی امکان نمایش این فضاها را رنگی وسیعتر بوجود می آید.



Adobe RGB



sRGB

تاثیر فضای رنگ روی گستردگی رنگ نقاط

فضای رنگی که دارای وسعت بیشتری از رنگ ها باشد (اصطلاحاً Gamut وسیع تری داشته باشد)، رنگهای نقاط تصویر را در محدوده وسیع تری از رنگها پخش می کند. فضای رنگی کوچکتر، رنگهای نقاط را در محدوده کوچکتری از طیف رنگی جمع می کند.



For a limited bit depth which encodes all colors within the large gamut:



If all bits were concentrated within the smaller gamut:



همان گونه که در شکل مشاهده می کنید، فضای رنگی پائینی محدودتر بوده و طیف کوچکتری از رنگ را در کل فضای رنگی خود دارد. بنابراین اگر تصویری را از فضای رنگی بزرگتر به فضای رنگی کوچکتر تبدیل کنیم، بخشی از اطلاعات تصویر را از دست خواهیم داد (مثل تبدیل فضای رنگی Adobe RGB به sRGB). همچنین اگر به تمام رنگ های موجود در فضای رنگی بزرگتر نیاز نداشته باشیم، در صورت استفاده از فضای اطلاعاتی کوچکتر، بخشی از اطلاعات رنگی از دست می رود. به طور معمول محدوده رنگی قابل چاپ پرینترها، تقریباً در حدود فضای رنگی sRGB است. برخی پرینترهای پیشرفته محدوده فضای رنگ فراتر از sRGB را دارند. معمولاً فضای رنگی که در پرینترهای عکس انتخاب می شوند، نیز همان sRGB است .

محدوده رنگی قابل نمایش در مانیتورها تقریباً در حدود فضای رنگ sRGB است، بنابراین اگر تصویری را در فضای رنگی Adobe RGB دوربین تهیه کنید، در مانیتور نمی توانید طیف رنگ آن را بطور کامل مشاهده کنید.

با توجه به مطالب فوق، می توانید فضای رنگ مورد نیاز برای عکسهای خود را انتخاب کنیم :

- 1- اگر می خواهید فایل های عکس دوربین را از طریق سیستم های آنلاین و یا در لابراتوارهای عکاسی چاپ کنید، فضای رنگی sRGB را انتخاب کنید و برای کار در نرم افزارها نیز از همین فضای رنگ استفاده کنید .
 - 2- اگر بدنبال قالب سریعتر و بدون دردسرتر در زمینه رنگ هستید و یا می خواهید سریعاً کار خود را در مانیتور به مشتری نشان دهید، حتماً فضای رنگ sRGB را انتخاب کنید.
 - 3- اگر تصویری را در فضای رنگ sRGB تهیه کرده اید با تبدیل آن به فضای رنگی وسیعتر Adobe RGB طیف رنگتان وسیعتر نخواهد شد؛ اما اگر عکس را از فضای رنگی Adobe RGB به فضای sRGB تبدیل کنید، بخشی از طیف رنگتان را از دست خواهید داد.
 - 4- اگر به طیف رنگ خاص (سبز- فیروزه ای در طیف های میانی و یا نارنجی- ارغوانی در قسمت های پر نور و یا طیف سبز در مناطق سایه) نیاز دارید و امکان چاپ گرفتن از این رنگ ها را نیز با پرینترهای پیشرفته دارید، آنگاه فضای رنگی Adobe RGB را انتخاب کنید و در فضای رنگ RAW عکس بگیرید. به هنگام ویرایش عکس در فتوشاپ نیز با فضای رنگ Adobe RGB و در حالت 16 بیتی پردازش کنید. بدین ترتیب بیشترین گستردگی طیف رنگ را خواهید داشت. این مسئله بالاخص برای عکاسی از طبیعت، عکاسی صنعتی یا پرتره نتایج بهتری دارد. اما به همان نسبت نیز سرعت روی این فایلها کندتر بوده و بعلت استفاده از پرینترهای پیشرفته سرعت چاپ نیز کند تر خواهد بود.
 - 5- اگر عکسهایتان 8 بیتی است، بهتر است از sRGB استفاده کنید، ولی اگر با تصاویر 16 بیتی کار میکنید، Adobe RGB را انتخاب کنید.
 - 6- اگر می خواهید عکسهایتان را در وب منتشر کنید، نیز از فضای رنگی sRGB استفاده کنید.
- (در استفاده صحیح از فضای رنگ، نیاز به کالیبراسیون کل مجموعه اسکنر، دوربین، پرینتر، مانیتور.... خواهید داشت.)

تراز سفیدی

مهرداد بحری

شهریور 1385

وقتی در این مورد تحقیق کردم به یکی دیگر از قابلیت های بدن انسان یعنی چشم و مغز پی بردم . با کمی دقت متوجه میشویم، که غالب نور هائی که ما در اطراف خود می بینیم سفید 100% خالص نیستند، و دمای رنگ مشخصی دارند. مثلاً دمای نور خورشید 5500 درجه کلوین و دمای یک لامپ فلورسنت 4500 درجه کلوین می باشد. دمای نور خورشید در میانه روز سفیدتر از صبح زود یا بعد از ظهر است و در این اوقات، نور کمی به زردی می گراید.

نور شمع	1500 درجه کلوین
نور لامپ	3000 درجه کلوین
نور طلوع/غروب	1500 درجه کلوین
نور روز/ فلاش	5500 درجه کلوین
افتاب درخشان	6000 درجه کلوین
آسمان صاف	6000 درجه کلوین
آسمان ابری/سایه	7000 درجه کلوین
آسمان آبی	9000 درجه کلوین

ویژگی خاص انسان، قابلیت تطابق آن با نورهای مختلف است. چشم و مغز انسان، در یک سیستم تطبیقی محاسباتی، نور خورشید را همانقدر سفید می بیند، که نور لامپ مهتابی و یا لامپ تنگستن را در شب، در صورتیکه لامپ مهتابی کمی به سمت سبز- آبی و لامپ تنگستن به سمت زرد تمایل دارند. اگر به صحبت های بعضی از افراد که با دوربین های

دیجیتال عکاسی کرده اند، گوش داده باشید، می گویند فلان دوربین عکسهای کمی زرد است و یا ... چرا؟ یک دوربین دیجیتال جهت تنظیم نور عکس و ارائه رنگهای مناسب نیاز به تشخیص رنگ سفید مرجع در کادر سوژه دارد، تا با توجه به الگوریتم موجود در پردازنده داخلی رنگ بتواند رنگهای دیگر را براساس آن محاسبه نموده و عکس مناسبی ارائه نماید. بسیاری از استفاده کنندگان گزینه "تنظیم تراز سفیدی" (White Balance) دوربین خود را در حالت اتوماتیک قرار داده و این همان جایی است که برنامه تنظیم خودکار داخلی مرتکب خطای محاسبه میگردد. در این حالت دوربین بطور اتوماتیک روشن ترین نقطه داخل کادر را به عنوان رنگ مرجع سفید در نظر گرفته و بقیه رنگها را بر اساس آن محاسبه می نماید. بدیهی است که در بسیاری از کادرهای مورد انتخاب ما روشن ترین نقطه الزاما سفید نیست و الگوریتم محاسبه گول خورده و رنگها را به خطا محاسبه می نماید. مثلا در نظر بگیرید سوژه شما گروهی از دوستان هستند که در مهمانی از آنها عکس میگیرید و روشن ترین موضوع در این کادر پیراهن زرد یکی از این افراد است. دوربین تمام رنگهای دیگر را بر اساس این رنگ محاسبه نموده و رنگها دیگر طبیعی نخواهند بود. البته در تهیه عکسهای خلاقانه، از این خطای محاسباتی می توان استفاده نمود و عکسهایی با رنگهای غیر واقعی تهیه کرد. در غالب دوربینهای دیجیتال امروزی تنظیم های مختلفی برای تراز سفیدی از قبیل: نور روز، هوای ابری، لامپ تنگستن، لامپ فلورسنت ... وجود دارند. برخی دوربینهای پیشرفته و حرفه ای امکان تنظیم دستی (Manual یا Custom) دارند. این عمل بصورت وارد کردن دمای رنگ زمینه بصورت عددی مثلا 3000 درجه کلوین و یا 5500 درجه کلوین ... دارند.

در اکثر دوربینهای SLR حرفه ای در حالت دستی (Custom)، میبایست با قرار دادن یک ورقه کاغذ سفید مرجع (در حقیقت خاکستری 18%) در داخل کادر و تنظیم فاصله بصورت دستی، یک عکس بعنوان مرجع بگیریم. سپس حالت تنظیم تراز سفیدی دستی Custom را انتخاب کرده و تنظیم آن را به دوربین میدهم (با کلمه Enter). بعد WB دوربین را روی Custom گذاشته و عکس اصلی را می گیریم.

اکثر دوربینهای حرفه ای، تنظیم دستی White Bracketing را نیز پشتیبانی میکنند. در این حالت تنظیم تراز سفیدی بر اساس رنگ های Blue/Amber و Magenta/Green انجام میشود. تنظیم تراز سفیدی در دوربینهای SLR بسیار کامل و دقیق است. امکان تنظیم دمای رنگ در همه حالات به صورت تنظیم انحراف رنگ های Blue/Amber و Magenta/Green وجود دارد. امکان براکتینگ تراز سفیدی به طور جداگانه در دو جهت با رنگ های فوق الذکر موجود است.

در حالت پیشرفته می توان براکتینگ تراز سفیدی را به طور ترکیبی با براکتینگ نوردهی به کار برد. دوربینها در این حالت عکسهای مختلف با ترکیب های گوناگون نورسنجی و تراز سفیدی را در کارت حافظه ذخیره می کند.

برخی دوربینها سنسور TTL جهت تنظیم تراز سفیدی از داخل عدسی دارند، این دوربین ها تنظیم دقیقتری نسبت به دوربینهایی دارند، که دارای سنسور خارجی بدنه هستند. حتما برای تست قابلیتهای کنترلی تراز سفیدی در هر دوربین مورد استفاده، بطور آزمایشی اقدام به تهیه عکسهایی در حالات مختلف بنمائید.

دقت کنید که در دوربینهای SLR ممکن است الگوریتم تنظیم تراز سفیدی پس از تعویض لنز و یا نصب فیلترهای مختلف، تحت تاثیر کیفیت نوری لنز و یا فیلتر جدید قرار گرفته و دچار خطای محاسبات میگردد. حتما این نکته را نیز با تهیه چند عکس آزمایشی بررسی کرده و به حالت اتوماتیک اعتماد نکنید.

برنامه های گرافیکی امکانات گسترده ای جهت تنظیم رنگ به شما میدهند، ولی دقت کنید برای این تصحیحات، به زمان زیادی نیاز خواهید داشت. فیلترهای جدید در این برنامه ها (مثلا Photo Shop CS2)، امکانات گسترده تری در اختیار شما قرار می دهد. فراموش نکنید که در صورت تهیه عکسها بصورت معمول، امکانات تصحیح در داخل این نرم افزارها بسیار محدود می باشند، زیرا قبلا به هنگام تهیه عکس بسیاری اطلاعات سوژه را از دست داده اید.

در صورت تهیه عکسها در فرمت RAW، چون اطلاعات بصورت پردازش نشده تر ضبط میگردند، امکان انجام تصحیح بیشتری وجود دارد. امروزه قالب دوربینهای نیمه حرفه ای و تمامی دوربینهای حرفه ای جدید از ضبط فایلها با این فرمت پشتیبانی می کنند.

شرکت Adobe چندی پیش از انتشار نرم افزار تخصصی عکاسان بنام Light Room خبر داد، ولی بهترین راه حل این است که از حداکثر امکانات دوربین خود در هنگام تهیه عکس استفاده کنید و کمتر نکته ای را به تصحیحات بعدی واگذار ننمائید.

دوربین های حرفه ای و نیمه حرفه ای دیجیتال فرمت جدیدی از عکس را وارد فرهنگ کامپیوتر کردند: RAW format. هر دوربین، RAW مخصوص به خود با ماهیت ویژه و متفاوت با دوربین های دیگر را وارد بازار نمود و برای ادیت و استفاده نهائی از این فایل جدید برنامه کامپیوتری خاصی ضمیمه دوربین گردید.

این فرمت که بر مبنای TIFF EP ساخته شده، در حقیقت جانشین فیلم نگاتیو گردیده است و در مقایسه با آن ویژگیهای خاص خود را دارد: فایلی است غیر فشرده و طبیعتاً با حجم زیاد، با اطلاعاتی خام و قابل تعریف که توسط دوربین دیجیتال تهیه گردیده است. رزولوشن این فرمت تعریف نشده وسایز آن را دوربین بطور استاندارد و غیر قابل تغییر (معمولاً بزرگترین سایز عکاسی دوربین) معین می کند، مانند 120 ، 135 در نگاتیو دوربین فیلمی.

عکس گرفتن با فرمت RAW بسیار ساده و مثل عکاسی با JPG است و حتی ساده تر از عکاسی با نگاتیو یا اسلاید؛ ولی تبدیل این فایل به فایلی قابل استفاده سخت است و وقت گیر و شاید مشکل تر از آنکه در تاریکخانه نگاتیو را به روش دستی چاپ نمایند، ولی این بار پشت کامپیوتر و در روشنائی و بدون بوی آزار دهنده.

RAW روی کامپیوتر و با استفاده از ویندوز و برنامه های منضم آن قابل رویت نیست و فقط روی LCD دوربین دیجیتال میتوان آن را دید. لذا برنامه کامپیوتری کارخانه تولید کننده، آن را به فایل قابل استفاده برای ویندوز ، TIFF (JPG...) تبدیل می کند. بدین ترتیب فرمت RAW، که وابسته به مدل خاصی از دوربین بود، جهت بایگانی کردن (مانند آرشیو فیلم) مناسب نبود، بخصوص اگر از دو یا چند دوربین مختلف برای عکاسی استفاده می شد. اولین بار در مهر ماه 1383، Adobe System Inc. برنامه ای در اختیار عکاسان قرار داد، که از فرمت های مختلف RAW یک فرمت واحد می ساخت: DNG (Digital Negative).

برنامه Adobe DNG Converter در حال حاضر فرمت های مختلف 75 نوع دوربین Epson, Contax, Canon, FujiFilm, Kodak, Konica Minolta, Leat, Leica, Nikon, Olympus, Panasonic, Pentax, Sigma, Sony را از RAW به فرمتی واحد، DNG، تبدیل می کند، که امکان بایگانی با همان کیفیت و استفاده در کامپیوتر و بویژه فتوشاپ برای ادیت را داراست. برنامه فوق بطور رایگان در www.Adobe.com/Support/downloads/main.html قابل دسترسی و استفاده است.

برنامه ACD See نمایش فایل RAW را عملی می کند. در صورت استفاده از فتوشاپ CS و برنامه فوق الذکر امکان ادیت نهائی سایز عکس، رزولوشن و فرمت قابل استفاده جهت چاپ (JPG ، TIFF...) امکان پذیر است. لذا جهت صرفه جویی در وقت برای تبدیل RAW به DNG و برای عکاسانی که در دراز مدت فقط از یک دوربین استفاده می کنند (و نه مؤسساتی که عکاسان متعدد دارند)، بایگانی فایل های RAW نیز میسر است.

برنامه کارخانه تولید کننده دوربین، برنامه گرافیکی است، که طرز کار با آن به مراتب ساده تر از فتوشاپ است. گونه هایی از این برنامه فایل های RAW در یک فولدر را با یک کلیک تبدیل به TIFF می کنند. ولی این برنامه معمولاً از تمامی امکانات فتوشاپ بهره مند نیستند، هر چند شاید برای عکاسی کافی باشد.

با توجه به اینکه حتی عکاسی اتوماتیک دوربین دیجیتال قابل کنترل تر و عملی تر از دوربین فیلمی است، که خود کار عکاسی را در برخی موارد ساده تر می کند. قسمت مشکل کار در حقیقت همین بخش آخر است. استفاده از تاریکخانه جدید (Light room)، نیاز به آشنایی با زبان انگلیسی، کامپیوتر و برنامه گرافیکی از قبیل فتوشاپ دارد. فراگیری این بخش از کار بر مراتب پیچیده تر از کار با دوربین دیجیتال و استفاده از تمام امکانات دوربین جهت عکاسی است و به هیچوجه به سادگی کار در تاریکخانه نیست، و عکس العمل منفی عکاسان نسل های گذشته به دوربین دیجیتال از این روست. ولی امکان پذیر است و در عصر کامپیوتر باید از آن استقبال کرد.

علیرغم آنکه خرید دوربین دیجیتال و ملزومات آن (شارژر، باتری، کارت حافظه، Photo Storage...) به مراتب گرانتر از دوربین فیلمی است، با توجه به سهولت کار با این دوربین (و بخصوص با نور کم) و احتساب هزینه های خرید

فیلم، ظهور، کنتراست، چاپ و بایگانی آن و هم چنین در نظر گرفتن زمان از دست رفته جهت انجام این امور در دوربین فیلمی، در دراز مدت دوربین دیجیتال ارزانتر تمام می شود. دسترسی به محصول نهایی آسان و فوری است: سهل الوصول تر، ایمن تر و راحت تر و اگر هدف، استفاده از عکس در کامپیوتر و اینترنت باشد، ایده آل است.

باتوجه به کیفیت بالای RAW (و ایضا DNG) و افزایش رزولوشن دوربینهای جدید تا 22 مگاپیکسل، محصول نهایی دوربین دیجیتال با کیفیتی فراتر از نگاتیو فیلم و اسلاید بدست می آید. با پذیرش این واقعیت که رزولوشن 6 تا 8 مگاپیکسل جوابگوی نیازهای عادی عکاسی است، باید پذیرفت که دوران دیجیتال رنگی فرارسیده است. با آغوش باز آن را بپذیریم و بیاموزیم!

با توجه به بازار عکاسی رنگی و استفاده عمومی از آن، دنیای کامپیوتر و دیجیتال تمام هم و غم خود را متوجه عکاسی رنگی کرد و نتوانست در عرصه عکس سیاه و سفید، نگاتیو را پشت سر بگذارد. تمامی دوربین های دیجیتال حرفه ای و نیمه حرفه ای امکانی جهت عکاسی سیاه و سفید (B&W) را در خود تعریف کرده اند، ولی محصول نهایی یک عکس مونوکروم RGB به رنگ خاکستری است. این محصول حتی با استفاده کامل و مطلق تمامی برنامه های کامپیوتری قابل تبدیل و چاپ به عکس سیاه و سفید، که با فیلم نگاتیو گرفته شده و تمامی طیف های خاکستری را دارد، نیست. اما مونوکروم خوبی است. در صورت استفاده از این عکس در اینترنت یا کامپیوتر می توان با استفاده از فتوشاپ آن را به عکس سیاه و سفید تبدیل و با قدری دستکاری در خاکستری ها، تا حدودی قابل قبول نمود، ولی برای چاپ مناسب نیست. محصول نهایی پس از ادیت با برنامه گرافیکی، هر چه باشد TIFF, JPG ... بصورت RGB جهت چاپ عکاسی از کامپیوتر خارج و به پرینتر وارد می گردد. لذا، در صورتیکه عکس رنگی یا مونوکروم را با فتوشاپ به سیاه و سفید تبدیل کنیم، هنگام چاپ عکس مجدداً به RGB تبدیل می شود و طبیعتاً کیفیت آن پایین می آید و در نهایت خروجی پرینتر یک عکس مونوکروم است.

در صورتیکه بخواهیم عکسی را جهت چاپ افست آماده کنیم، باید عکس از فرمت RAW یا DNG مستقیماً به CMYK (فرمت چاپ افست) تبدیل و ضبط شود. این عکس طبیعتاً رنگی است. و دنیای دیجیتال دنیای رنگی است.

در حالیکه RAW نگاتیو رنگی را پشت سر گذاشت، و به تبع آن دوربین های فیلمی ارزان و اگراندیسورها بی ارزش شدند، در عرصه سیاه و سفید، نگاتیو کماکان حرف آخر را می زند!

دوربین قطع متوسط

مسعود سهیلی
تابستان 1385

عکاسی با دوربین قطع متوسط (MF=Medium Format) به دلیل بزرگ تر بودن قطع فیلم و دهانه لنز از کیفیت بالاتر و وضوح بیشتری نسبت به دوربین های 135 برخوردار است (سطح فیلم 6x4/5 سه برابر فیلم 135 است و سطح فیلم 6x7، پنج برابر آن) و بدیهی است که محصول آن را می توان در سایز بزرگ چاپ کرد. سنگین تر بودن دوربین، نیاز به نور بیشتر، عمق میدان کمتر و کادر مربع دوربین MF امکاناتی را در اختیار عکاس قرار می دهد، که دوربین 135 توانایی آن را ندارد. با این اوصاف کار کردن با دوربین MF، تسلط کامل بر نور، کمپوزیسیون، کادر... و به طور خلاصه عکاسی را می طلبد.

لنز

دوربین های قطع متوسط و بزرگ همواره ابزار عکاسان حرفه ای بوده اند و طبیعتاً کیفیت آنها و به ویژه کیفیت عدسی آنها از دوربین 135 بیشتر بوده است. با توجه به سایز فیلم فواصل کانونی آنها با لنز 135 متفاوت است:

لنز نرمال 80 میلی متر (دوربین 135 = 50 میلی متر)

لنز واید 50، 45، 35 میلی متر

لنز تله 120، 150، 200، 300 میلی متر

برای شناخت لنزهای دوربین MF، می توان فاصله کانونی لنز را در عدد 0/65 ضرب کرد، تا با معادل 135 آن، که آشنا تر است، مقایسه نمود. در عکاسی پرتره با دوربین 135، لنز 135 میلی متری بهترین کیفیت را بدست می آورد. در

دوربین MF باید از لنز 150 میلی متری استفاده کرد. در عکاسی با دوربین های MF از تک لنز استفاده می شود، که کیفیت بهتری نسبت به لنز های زوم دارند. فقط برای معدودی از دوربین های MF لنز زوم ساخته شده است.

بدنه دوربین

ویزور و back (محل قرار دادن فیلم دوربین MF) معمولاً از بدنه دوربین جدا می شوند. آنچه می ماند آینه ای است در بدنه و امکاناتی چند جهت عکاسی. در دوربین های پیشرفته تر، علاوه بر ویزور 90 درجه قابل تعویض، ویزور 45 درجه نیز قابل نصب می باشد، که برای عکاسی خارج از آتلیه بسیار مناسب و مشابه نوع 135 است. بک های متفاوت فیلم های 135، 6x4/5، 6x6 و 6x7 روی دوربین های MF قابل نصب اند. تعویض بک در حین عکاسی، امکان استفاده از چند نوع فیلم و اسلاید با یک دوربین را در اختیار عکاس قرار می دهد.

امکان نورسنجی، در دوربین های مختلف MF، از طریق ویزور یا لنز پیش بینی شده است. برخی در بدنه جای نصب فلاش و برخی دیگر پایه جداگانه ای لازم دارند. مانند دوربین 135 می توان موتور درایو روی آن نصب کرد. رینگ ماکرو و Converter آن مانند 135 عمل می کند. دوربین های پیشرفته تر تک لنزی اند و انعکاسی (SLR)، و برخی قابلیت نصب بک دیجیتال را هم دارند. و سه پایه ای استوار، وسیله ایست ضروری برای عکاسی با دوربین MF.

طول فیلم

دو طول مختلف فیلم برای عکاسی با MF موجود است:

- 1- سایز 120 (12 عکس 6x6 یا 15 عکس 6x4/5)
- 2- سایز 220 (24 عکس 6x6 یا 30 عکس 6x4/5)

در اکثر دوربین های MF، برای استفاده از این دو فیلم باید بک های جداگانه داشت. فیلم های 120 و 220 از فیلمهای قطع 135 گرانتر اند.

یورش دیجیتال، دوربین های فیلمی را به سرعت از رده خارج می کند. دوربین های MF هم سرسام آور ارزان شده اند. دوربین فیلمی 135 عکاسانی که دیجیتال خریده اند، ماه هاست خاک می خورد! وقت آن است که گرد و خاک روی دوربین 135 را تمیز کرده و آنرا، با کلیه تجهیزاتی که داریم، به بهایی بفروشیم. جوانترها از آن استفاده خواهند کرد! با اندک مبلغ بیشتر، می توان یک دوربین قطع متوسط دست دوم خرید. ببائید عکاسی به شیوه حرفه ای قدیمی را به بهایی ارزان تجربه کنیم! از آن لذت ببریم! عکس خوب بگیریم!

موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر منتشر کرده است:

به باغ همسفران..... گرد آورنده یعقوب امدانیان
از سال ها پیش تا هنوز هم..... منتخبی از آثار قباد شیوا
زن، آب، آیین..... ترجمه شهیار سعادت
چراغ رنگ..... نقاشی های پری بوش گنجی
سفری از میان رنگ ها..... مجموعه عکس محمد اسلامی راد
آیین دار ماه..... نقاشی های جلال شباهنگی
شکوه پارسیان..... سرزمین امپراتوران، ترجمه ترانه قطب
از حجم تا لیلی..... قدرت اله عاقلی
کتاب پایان..... گزیده ای از آثار کارپکاتوریست های ایران و جهان
طعم رویا..... با نگاهی به آثار پنجمین نمایشگاه دوسالانه نقاشی معاصر ایران
آخرین جنبش های هنری قرن بیستم..... ترجمه دکتر علیرضا سمیعی اندر
جهانی شدن و هنر جنبه..... ترجمه دکتر علیرضا سمیعی اندر
سانسور (تحلیلی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم)..... دکتر فریبرز خسروی
اندی وار هول..... ترجمه افروز یثربی
روایای فرشتگان..... مرتضی آوینی، آیدین آغداشلو، عبدالمجید حسینی راد
آغاز طراحی..... ترجمه ایلیا خرمی نژاد
پهلوی ها..... فرهاد رستمی
شمع های زیر آبکش..... فریبا صدیقیم
فرهنگ واژگان و اصطلاحات (حقوقی، اقتصادی، اداری)..... جواد بنی یعقوب
دیار فرهی و فتوحات آخرالزمان..... سید احمد فرید
پست مدرنیسم (گام به گام با جهان فلسفه و هنر مدرن)..... ترجمه حسین علی نوذری
تهران، ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره 8، کد پستی 15816

تلفن 8882-8903 و 8884-3294 فاکس 8884-4178

www.NazarHouse.com

NazarPrint@hotmail.com

یکی از نکات مهم عکس خوب، ترکیب بندی آن است. انتخاب کادر عکس بستگی به موضوع آن دارد. برخی موارد، به دلیل محدودیت این انتخاب، کادر مورد نظر می تواند بعداً تعیین شود. یکی از ابزار کار عکاس برای ترکیب بندی مناسب، نسبت طول به عرض این کادر می باشد.

اصطلاحاً کادر Landscape (افقی) و کادر پرتره (عمودی) به خودی خود دارای وزنی هستند که عکاس با انتخاب درست موضوع، کمپوزیسیون آن کامل می کند. کادر مربع با نسبت یک به یک، کادری است با ظاهر ساکن و بدون وزن. از هر طرف یکنواخت است و چشم بیننده به سویی مشخص جلب نمی شود؛ و در عوض مرکز آن بسیار متمرکز و قوی است. پس در اینجا جذابیت عکس را موضوع و ترکیب بندی محکم آن تعیین می کند.

موضوع و ترکیب بندی نامتقارن در کادر مربع زمانی جذاب به نظر می آید، که علیرغم متقارن بودن و مرکزیت قوی ذات خود کادر، بتوانیم توجه را به نقطه ای جذب کنیم. یکی از ابزار عکاسی من کادر مربع است، نه به دلیل زیبایی آن، چرا که همواره تأثیر خود عکس برایم ارجحیت دارد. قرار گیری موضوع در این کادر برایم بسیار زیبا تر از کادر مستطیل است، بخصوص که این امر فقط با دوربین (MF) Medium Format مقدور است؛ اگر چه همیشه می توان بعد از عکاسی کادر مطلوب را انتخاب کرد و عکس جدیدی پدید آورد. اما بسیار لذت بخش است که عکس را در همان لحظه عکاسی تمام کنم.



سرعت فزاینده گسترش دیجیتال و تسهیل کار کرد با تجهیزات آن، پرونده نگاتیو را به بایگانی راکد می فرستد. تولید کنندگان فیلم و کاغذ بدنبال محصولات جدید می روند. لایر اتوارهای عکاسی فیلم روز به روز محدودتر می شوند. این روند بدانجا خواهد رسید، که برای چاپ عکس به لایر اتوار خانگی نیاز خواهد بود، که به خودی خود خوب است. رونق دیجیتال و رکود بازار چاپ نگاتیو، بدانجا رسیده که قیمت خرید اگر اندیسور را خریدار تعیین می کند! تاریکخانه خانگی سهل الوصول است؛ حتی اگر سیار باشد در حمام! می ارزد!

آرشیوهای نگاتیو و اسلاید و عکاسان نسل های گذشته، چه بخواهند و چه نخواهند، می بایستی با این شرایط منطبق شوند. تهیه آرشیو دیجیتالی برای عکاس واجب است! یک اسکنر خوب در خانه یا محل کار و روزانه، یکی دو ساعتی اسکن کردن مستقیم نگاتیو و اسلاید، آرشیو دیجیتالی منظم تر و قابل دسترس تری از بایگانی نگاتیو در اختیار ما قرار می دهد. محدودیت های بایگانی حلقه ای فیلم وجود ندارد و هر عکسی را می توان در فایلی جداگانه و یا در چندین فایل تحت عناوین مختلف بایگانی نمود. تمام اطلاعات عکس در اسم فایل گنجانده می شوند... بایگانی موضوعی، محلی، تاریخی... با دو کلیک می توان یک عکس را در دو (یا چند) فایل بارید و عناوین متفاوت بایگانی نمود، امکانی که در بایگانی نگاتیو وجود ندارد... بایگانی ساده و ایده آل و قابل دسترسی سریع! ولی باید آن را در یک هارد USB خارجی و جدا از کامپیوتر حفظ کرد.

اما ایزار این کار

انتخاب ایزار مناسب در انجام هر کاری نتیجه ای مطلوب دارد. انتخاب اسکنر عکاسی، با اسکنری که برای عکسبرداری از متون و تهیه بایگانی استفاده می شود، متفاوت است. برای منظور دوم اسکنرهای عادی و حتی چندکاره پاسخگوست. مهم ترین عامل برای انتخاب اسکنر عکاسی دانسیته آن است (Optical Density).
مینیم دانسیته برای اسکن خوب از یک عکس، 3/2 می باشد. دانسیته کمتر از 3/2 به افت کیفیت در چاپ عکس منجر می شود. پس از انتخاب اسکنر با دانسیته 3/2 یا بیشتر، باید به سراغ مشخصات و امکانات دیگر اسکنر رفت: رزولوشن، اسکن از نگاتیو، اسلاید، قطع 135، 6x6... اندازه ساینر اسکن A4، A3... مشخصات آداپتور فیلم، نگاتیو، اسلاید... در تجربه شخصی ام، بهترین اسکنر ها را از اسکنر EPSON بدست آوردم. مدل های مختلف و جدید اسکنر EPSON موجود در بازار ایران:

PERFECTION 4490 PHOTO - دارای وضوح 4800 x 9400 dpi Optical - Optical Density با ظرفیت 3.4 D - اسکن رنگی 48BIT (ورودی و خروجی) - حداکثر ساینر اسکن 216 x 297 mm - دارای پورت USB 2.0 - دارای 4 کلید مجزای Email, Copy, Start/Power و Scan to PDF - دارای Film Adapter جهت اسکن فیلم، نگاتیو و اسلاید 35mm strip x 12 frames strip 35mm slide x 4 frames 6cm x 12cm medium format (120/220) x 1 frame	PERFECTION 4990 PHOTO - دارای وضوح 4800 x 9600 dpi Optical - Optical Density با ظرفیت 4.0 D - اسکن رنگی 48BIT (ورودی و خروجی) - حداکثر ساینر اسکن 216 x 297 mm - دارای پورت USB 2.0 و (1 x connector pin 1394 IEEE) - دارای Film Adapter (10-inch x 8-inch) جهت اسکن فیلم، نگاتیو و اسلاید 35mm film strip 24 frames 35mm slide 8 frames Medium Format (120/220) 6 x 12 cm 3 frames 5 x 4 inches film 2 frames
PERFECTION 3490 PHOTO - دارای وضوح 3200 x 6400 dpi Optical - Optical Density با ظرفیت 3.2 D - اسکن رنگی 48BIT (ورودی و خروجی) - حداکثر ساینر اسکن 216 x 297 mm - دارای پورت USB 2.0 - دارای 4 کلید مجزای Email, Copy, Start/Power و Scan to PDF - قابلیت اسکن فیلم، نگاتیو و اسلاید 35mm slide x 3 frames, 35mm strip x 4 frames strip	PERFECTION 3590 PHOTO - دارای وضوح 3200 x 6400 dpi Optical - Optical Density با ظرفیت 3.2 D - اسکن رنگی 48BIT (ورودی و خروجی) - حداکثر ساینر اسکن 216 x 297 mm - دارای پورت USB 2.0 - دارای 4 کلید مجزای Email, Copy, Start/Power و Scan to PDF - قابلیت اسکن فیلم، نگاتیو و اسلاید 35mm slide x 1 frame, 35mm strip x 6 frames strip - قابلیت اسکن اتوماتیک رشته فیلم نگاتیو (AFL- auto film loader)

اسکنرهای فوق، همگی برای عکاسی مناسب و محدوده قیمت آن ها بین 100 تا 500 هزار تومان می باشد.

وقتی چهل و پنج سال پیش، ما تحت مبارک را روی نیمکت مدرسه‌ی عکاسی در پاریس نشاندیم، دنیا دچار تحولات غربی بود که کلمه‌ی من، پسر بچه‌ی جوان را مثل سیر و سرکه به هم می ریخت، و مغرور از شغلی که انتخاب کرده بودم و به‌خاطر آن قرار بود جور استاد را بکشم، به حال غربی در می‌آورد. در آن سال‌ها هنوز جنگ الجزایر فرانسه و جنگ ویتنام آمریکا و حمله‌ی فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها به مصر و حمله‌ی شوروی‌ها به بلوک شرق و استثمار آنها به‌دست نا دست‌شان، مثل حمله‌ی امریکایی‌ها به عراق و نابسمان کردن آن‌جا (که باعث کمال شعف بنده است)، سراسر روزنامه‌ها را سیاه و سفید می‌کرد. و من، جوجه عکاس نسل سوم عکاس آوانگارد، به غروری وصف‌ناپذیر دست پیدا می‌کردم، که هنوز بعد از گذشت این همه سال و با دیدن این همه طوفان، هنوز، وقتی فکرش را می‌کنم، حال می‌کنم و فکر می‌کنم که یکی از بهترین زندگی‌ها را سیر کرده‌ام و در جایگاه لژ، صحنه‌هایی را دیدم که دیدنش برای هر کسی میسر نمی‌باشد.

در این میان، خارق‌العاده‌تر از همه‌ی این حکایت‌ها، نشستن و حرف زدن و دیدن و معاشرت کردن با افرادی که هرکدامشان برای بشریت، حکایتی بودند و هستند، من را در موقعیتی قرار می‌داد و می‌دهد، که وقتی در پایان هر روز، که هر روز طوفانی می‌باشد، با خودم تنها می‌شوم، از خودم می‌پرسم: که چگونه می‌شود؟ جوابی غیر از حیرت، برای خودم پیدا نمی‌کنم.

چهل و پنج سال پیش، من به‌خاطر ماجراجویی، و این که عجب زندگی‌کرد، این پدرازینی، عکاس شدم. که عکاسی دنیایی است و جهانی است و کهکشانی. من، نا دانسته، وارد جریانی شدم که جهانی بود و جهانی ماند و فکر نمی‌کنم که یک روز یک جریان محلی ساده بشود. چرا؟ این اش را نمی‌دانم، ولی حس می‌کنم، زیرا که ما عکاس‌ها، مثل حیوانات، حس خاصی داریم. مثل حیوانات که زلزله را قبل از وقوع آن حس می‌کنند، و به‌وعو و عرعر می‌افتند. می‌خندید؟ خنده ندارد!

حالا این حس خاص چه می‌گوید؟ این حس خاص می‌گوید که در جریان ساماندهی افکار و اندیشه‌ها در جهان، چند حرکت، اساسی و مادر بوده‌اند. مثل اختراع خط و اختراع کاغذ و اختراع چاپ و اختراع و کشف عکاسی و امروزه مواد دیجیتال. حالا می‌گویید که تلویزیون و سینما که امروز جایگاه خیلی بزرگتری دارد، چرا از آنها نام نمی‌بری؟ خوب به‌خاطر آن که آنها حرکات تکمیلی بوده‌اند. یعنی اول عکاسی آمد و سپس برادران لومیر، به آن حرکت دادند. این دو فرزند عکاسی، یعنی سینما و تلویزیون نمی‌توانند جای عکاسی را بگیرند، چرا که مامان عکاسی، حال غربی دارد. می‌پرسید چه حالی؟

فکرش را بکنید که در یک عروسی هستید. دختر خاله جانتان به‌خانه‌ی بخت می‌رود. یا نه، پسر عموجانتان دارد یک دوست دختر را به مقام همسری تنزل می‌دهد. به شما خانم خانما و یا به شما آقا آقاها کاکل زری، که خودتان را برای چنین شبی، هزار جور توالف کرده‌اید و زیر ابرو برداشته‌اید (امروزه، بنده‌ی عکاس شاهد هستم که آقا پسر‌ها هم، هم دماغ عمل می‌کنند و هم زیر ابرو بر می‌دارند) می‌گویند تشریف بیاورید با عروس و داماد عکس بگیرید. دامادی که فکر می‌کند فتح خیبر کرده است و تاج به سر عروسی که برای یک شب، ملکه‌ی تمام جهان است. حالا یا میان عروس و داماد می‌ایستید و یا اگر مرد! هستید کنار عروس و یا اگر خانم هستید کنار دست داماد می‌ایستید. لباس‌هایتان را راست و ریس می‌کنید. پاهایتان را یک طوری کنار هم قرار می‌دهید که لااقل مثل ژست‌های همفری بوگارت در فیلم کازابلانکا باشد. در مورد خانم هم اظهار نظری نمی‌کنم (از ترسم). گردنتان را می‌کشید و یک لیخند مصنوعی به لبانتان می‌دهید که چه بشود؟ یک عکس بگیرید. شما در آن لحظه انتخاب شده‌ی عکاس هستید. همین انتخاب شدن در یک مراسم عروسی که شاید صدها هزار آن هر شب در سراسر جهان برگزار می‌شود و گاهی هم به طلاق سرانجام می‌شود، شما، موجودی را که هیچی نیستید، و یک جزء از هفت میلیارد جماعت جهان هستید، برای خودتان شخصیتی می‌شوید. شاهنشاه می‌شوید. برنده‌ی جایزه‌ی نوبل می‌شوید. چشمانتان برق می‌زند. می‌گویید که حتماً در مقابل یک دوربین فیلم برداری و تلویزیونی هم همین حال پیدا می‌شود. عرض می‌کنم که نه. برای این که دوربین فیلم‌برداری حرکت می‌کند و همه را می‌گیرد. همه‌ای که شما هم جزء آنها هستید.

می دانید؟ هر ماه، من صدها و صدها عکس می گیرم. شاید شما هم من را در خیابان ها و در مراسم مذهبی و ساختمان ها و کارخانجات دیده باشید. وقتی دوربین همراه ندارم، همه ی مردم، من را مثل همه ی مردم نگاه می کنند.

ولی وقتی دوربین به همراه دارم، نوع نگاه ها تغییر می کند. مخصوصاً نگاه های پلیس ها، که در همه جای دنیا يك طور دیگری می شود. آنها (یعنی پلیس ها) طوری به دوربین شما نگاه می کنند که پنداری يك راکت بمب اتمی در دست دارید. برای آنها، شما حتماً اگر جاسوس نباشی، حتماً يك فکر شری در کله ات پرورش می دهی که آنها باید جلوی آن را بگیرند. به همین جهت همیشه در مقابل ما گارد می گیرند. تمام عکاس ها (حتی دانشجویان عکاسی)، سالی چند بار دستگیر می شوند. یا کارشان به جاهای باریک می کشد. امری که هرگز برای يك دانشجوی پزشکی یا پزشک و دانشجوی حسابداری یا حسابدار و سایرین پیش نمی آید.

مردم معمولی هم می خواهند بدانند که چرا شما دارید عکاسی می کنید؟ و برای کی. و این، در همه جای دنیا هست. آنها می خواهند جزء برگزیدگان بشوند. و این، بستگی به کشورها نیز دارد. هرچه مردمان يك مملکت از نظر مالی در فقر باشند، حرکت شدیدتر است. در افریقا، این جریان خیلی شدیدتر از جاهای دیگر دنیا است و نمی شود که يك عکاس، روزش را بهسادگی به پایان ببرد. حتماً چند درگیری در دستور کار يك عکاس در افریقا وجود دارد. به همین علت به عکاس های جوان می گویم که شناخت مردم برای عکاس حیاتی است، زیرا که عدم این شناخت می تواند خیلی برای عکاس گران تمام شود. این کنش ها و واکنش ها جزء وجود انسان ها است. تا این جریان هست، عکاسی هم هست. آیا می توانید مردم را عوض کنید؟ احساسشان را عرض می کنم.

چهل و پنج سال پیش، در مدرسه ی عکاسی، معلمان به ما می گفتند که اگر روزی فرا برسد که نقره تمام بشود، کار عکاسی هم تعطیل خواهد شد. مگر آن که، چیزی جایگزین نقره بشود. از آن روزی که ماتحت مبارک را روی نیمکت مدرسه ی عکاسی نشاندم، عکاسی دچار پیش رفت های شگرفی شده است. و این، نه که عکاسی خودش در ماجرا دستی داشته باشد. نه، علم پیش رفت می کند و عکاسی که نبیمی از هستی اش بستگی به علم دارد، دچار تحول می شود.

چهل و پنج سال پیش، من پشت دوربینی رفتم که چوبی بود و فیلم ها شیشه ای. بعد از آن فیلم های طلای آمدند و دوربین ها کوچک شدند و اولین دوربین رفلکسی که اختراع شد و نامش زایس ایکون کونتا فلس سوپر ب بود، را در سال 1962 خریدم. بعدها دوربین های پیش رفته تری خریدم و آن دوربین را دادم به همین آقای پرفسور شهریار عدل، باستان شناس بین المللی امروزی. بعد نوبت به فیلم های نگاتیف رسید که ماسک بر روی آنها گذاشتند و کیفیت عکس رنگی را چند برابر کردند. بعد به داروهای ظهور نگاتیف رنگی و اسلاید پرداختند، پولاروید را اختراع کردند. در همان سال های 1962 فلاش های قوی و قوی تر معروف به چتری اختراع شد و عکاسی و مخصوصاً عکاسی مد را متحول کرد. اوپتیک ها تا 2000 میلیمتر کشیده شدند که وزنشان چندین کیلو بود و برای این که وزن آنها را پایین بیاورند تله اوپتیکوهای آینه ای را اختراع کردند که وزن قوی ترین آنها به حدود 600 گرم می رسید. فیلترهای عجیب و غریب اختراع شد و در عکاسی سیاه و سفید کاغذهای مولتی کنتراست اختراع شد، که عکاسی سیاه و سفید را، که حتی امروز بسیاری آن را به عکاسی رنگی ترجیح می دهند، دگرگون کرد. جالب است که بدانید عکاسی سیاه و سفید بسی گران تر از عکاسی رنگی تمام می شود، ولی خوب گرایش مردم به آن حیرت انگیز است.

نمی خواهم در این مقاله به شما درس تاریخ عکاسی بدهم، به همین جهت درز می گیرم و می روم سر آخرین تحول که دیجیتالی شدن عکاسی است.

می دانید تحولاتی را که من برای شما در بالا گفتم، در طی 176 سال اتفاق افتاد. ولی، عمده ترین آنها بین سال های 1960 تا 1985 بود. نمی دانم، شاید عمر عکاسی دیجیتال يك دهم این سال ها هم نباشد، ولی تحول آن در سه چهار سال اخیر شگفت انگیز است. من نمی توانم برای شما تشریح کنم که يك عکس برداری صنعتی و یا معماری، با چه مشکلات فنی مواجه است. يك عکاسی که می خواهد از يك دکوراسیون عکاسی کند، حدود (اگر خیلی خوب و توانمند باشد) 3 الی 4 ساعت باید وقت بگذارد تا نورها را متعادل کند. چه از نظر کیفیت و چه از نظر کمیت. يك قطعه اسلاید 4 در 5 اینچ، حدود 3000 تومان قیمت دارد (اگر گیر بیاید) و ظهور آن 3200 تومان است. کوچک ترین اشتباه مساویست با آتش زدن شش عدد اسکناس هزار تومانی. در حالی که اگر عکاسی دست به اشتباهی با دوربین دیجیتال بزند، در جیک ثانیه و در سه سوت آن عکس را پاک می کند و دوباره از فضای آن برای عکاسی مجدد استفاده می کند. به همین علت، ما عکاسان به قول امروزی ها نسل اول (البته نسل اول ایران) می گوئیم که شرف نگاتیف را حفظ کنید. یعنی حتی اگر با دوربین دیجیتال کار می کنید، با دقت و وسواس کار کنید.

خوب از همه‌ی این تعاریف و ننه من غریبم بازی بگذریم و ببینیم امروز کجا هستیم و به کجا می‌رویم. شاید بدانید و شاید هم ندانید که من، 4 تشریه و یا به قول خودم ماهانه روی اینترنت دارم، که یکی از آنها، یعنی ماهانه‌ی معماری ایران روی سی دی نیز منتشر می‌شود که قیمت آن 1500 تومان و در هر شماره‌ی آن بین 200 تا 300 عکس با کیفیت ممتاز وجود دارد. اگر من بخواهم این ماهانه را بر روی کاغذ بیاورم، قیمت فروش آن بالای 100 هزار تومان می‌شود. و از نظر مشکلاتی که در چاپ آثار موجود است، شاید بتوانم هر 3 ماه یکی را منتشر کنم، و آن هم نه با کیفیت تصویرهای دیجیتالی (چاپ عکس بر روی کاغذ، در بهترین شرایط 30 الی 40 درصد افت دارد). به احتمال یک میلیون در صد من اولین کسی هستم که در ایران دست به این کار آوانگارد زده‌ام. انتشار مجله‌ای روی سی دی. و به احتمال 100 در صد اولین آن هم در جهان هستم (اگر فکر می‌کنید که کس دیگری قبل از من دست به این کار زده است، حتماً خبرم کنید). انتشارات سی دی و یا اینترنتی، آینده‌ی انتشارات هستند. و بی خود نیست که در بالا، آن را در مقام اختراع خط آوردم.

سابقاً یعنی تا همین ده سال پیش، عکاسان برای ارسال عکس‌های خود می‌بایستی فیلم خود را به فرودگاه‌ها می‌بردند، و اغلب به پاریس می‌فرستادند (چون مرکز جهانی عکس بود و هست). بنگاه پاری ماچ، پاکت‌های مخصوصی داشت با آرم پاری ماچ که ما فیلم‌ها را توی آن می‌گذاشتیم و در فرودگاه‌ها به مسافری عازم پاریس می‌دادیم. بگذریم که مردم با چه احترام و ابهتی بسته‌های ما قبول می‌کردند، و ما بچه عکاس‌ها، وقتی با این صحنه‌ها مواجه می‌شدیم چه احساس غروری داشتیم، ولی عکس‌های ارسالی گاهی با دو هفته تأخیر چاپ می‌شدند. در آن سال‌ها سه الی چهار دوربین از ما آویزان بود. یک دوربین برای اسلاید. یکی دیگر برای سیاه و سفید. یکی برای واید، یکی برای تله. همه‌ی این دوربین‌ها و اوپرتیوها حد اقل ده دوازده کیلو وزن داشتند. امروز وزن یک دوربین دیجیتال با یک لنز اضافی به یک کیلو و نیم نمی‌رسد. عکاس با یک کومپاکت 1000 مگابایتی، می‌تواند 144 عکس با کیفیت بالا بگیرد. با این تفاوت که عکاس در پایان روز می‌تواند تمام عکس‌ها را، به قول امروزی‌ها بریزد روی کامپیوتر پرتابلش و فردا روز از نو و روزی از نو. می‌خواهد عکسش را بفروشد به پاریس؟ روی تله فون موبایل انترناسیونالش وصل می‌شود به اینترنت و در سه سوت و جیک ثانیه، عکس‌هایش را از شمال عراق یا افغانستان به پاریس می‌فرستد. نه پلیسی و نه گاردی و نه القاعده‌ای و نه سانسوری خسته شدید؟

برای ختم ماجرا، برگردیم به انتشارات سی دی و آینده‌ی عکاسی. وقتی مجله‌ی معماری را منتشر کردم، بعضی از اهالی، با لحنی بابا بزرگ مابانه گفتند که: آقا جان، سی دی که نمی‌تواند جای کاغذ را بگیرد، کتاب را انسان می‌تواند ببرد توی رختخواب و قبل از خواب کتاب بخواند. انسان که نمی‌تواند با کامپیوترش برود توی رختخواب (که اشتباه محض است. انسان می‌تواند با کامپیوتر پرتابل برود توی رختخواب). حال یکی نیست که از این مرد فرزانه بپرسد که شما چندتا کتاب در سال می‌خرید که بخوانید. آن هم توی رختخواب؟ سؤال دیگر من اینست که آیا شما می‌توانید با کتاب‌های نصرالله کسریایی به توی رختخواب بروید؟ دوست فرزانه و عزیزم، احمد رضا احمدی از استیصالش از تعداد و وزن و حجم کتاب‌هایش برایم می‌گفت. عاشق ادبیات گفتاری او هستم. فقط دوستان مشترک می‌توانند موضوع را درک کنند. دنیا دارد چهار اسبه به جلو می‌تازد. طبق مطالعاتی که 3 سال پیش انجام دادم، در آن دوران میلیون‌ها کامپیوتر در ایران به فروش رفته بود. نسلی که در راه است و کمتر از 30 سال دارد، نمی‌تواند بدون زبان کامپیوتر حرف بزند. اگر این را درک نکنیم، از هم اکنون از پاك باختگان دو جهانیم. رنگ و کنتراست فیلم‌های عکس‌هایی را که 35 سال پیش گرفته‌ام که هیچ، مال ده پانزده سال پیش نیز دارند از بین می‌روند و مجبورم همه‌ی آنها را اسکن کنم و دیجیتالی کنم تا بتوانم آنها را برای نسل آینده حفظ کنم. این عکس‌ها سندهای تاریخ این مملکت هستند و متعلق به من نیستند و مال آیندگان هستند. بدون تکنیک دیجیتال، من کامران عدل چه خاکی باید بر سرم بریزم.

چهل و پنج سال از آن روزی که ما تحت مبارکم را روی نیمکت مدرسه‌ی عکاسی نشاندم می‌گذرد. در آن روزگاران فقط جور استاد را می‌کشیدم. و امروز، دیگران دارند جور من را می‌کشند با این تفاوت که آنها مال نسل آینده هستند و بعضی از مواقع، من برای آنکه بتوانم در آینده زندگی کنم، باید باز هم جور استادی را بکشم که شاید 40 سال از من جوان‌تر است. من، در سن 63 سالگی باید باز هم درس بخوانم و تکنیک بیاموزم، زیرا که عکاسی کماکان دارد به جلو می‌رود و هر کسی که عقب بماند محکوم به فنا می‌باشد.

این مقاله‌ی، به مناسبت کنگره‌ی هنر و جهانی شدن نوشته شده و تقدیم شده است.

کامران عدل، عکاس

www.IranJOP.com



گفت معشوقی به عاشق کای فتنی
پس کدامین شهر از آن ها خوشتر است
تو به غربت دیده ای بس شهرها
گفت شهری کاندرا آن جا دلبر است

در میان شهرهای باستانی، شاید بم در کنار ارگ آن جایگاهی ویژه و یگانه داشته باشد. شهری که از یک سو حضوری افسانه ای دارد و از سوی دیگر حضوری واقعی و امروزی. تنها بازمانده نسبتاً سالم روزگار پیش از اسلام و یادگاری به جا مانده از تلاش هزاران معمار، نقاش، هنرمند، صنعت گر... و تجلی اراده صدها فرمانفرمای به نام و گمنام، که در دامن آن پناه گرفتند و با به پناهندگان ارگ تاختند. و آن چه اتفاق افتاد، قهر طبیعت بود، که با زلزله ای سهمگین، این یادگار کهن ایران زمین را در هم پیچید و مصیبتی را رقم زد، که نه تنها مردمان و ساکنان بم را به سوگ نشاند، بلکه فرهنگ و تمدن این مرز و بوم را در سوگ یکی از فرزندان راستینش سوگواری کرد.

می گویم سر فصل هایی از خصوصیات برجسته و شاخص ارگ را روشن سازیم. اگر چه این سر فصل ها، آن چنان گسترده اند که در این مجال کوتاه، تنها پرداختن به نکات بارز آن امکان پذیر است، و بی گفت گو، شناخت تمامی گوشه ها و زوایای آن نیازمند پژوهش های تفصیلی موضوعی مرتبط، اعم از میدانی و کتابخانه ای است.

موقعیت جغرافیایی بم

بم شهری است در شرق استان کرمان امروزی، که حدود 1000 متر بالاتر از سطح دریا واقع است، و با شهرهای زاهدان، ایرانشهر، جیرفت و بردسیر همسایه است. بم دارای دو بخش قدیمی و جدید است، که هسته قدیمی شهر همان ارگ معروف است و بخش امروزی آن شهر جدید و مجموعه باغات و نخلستان ها را در بر میگیرد. شهر امروزی بم، از دوران قاجار، و با تخلیه تدریجی ارگ از ساکنان آن شکل گرفت، و به موازات آن کالبد ارگ رو به ویرانی نهاد. این روند تا زمان پهلوی اول تا بدان جا ادامه یافت که ارگ قدیمی، یکپارچه از ساکنانش تهی شد، و شاید تنها گروه های گریزان از جامعه، آن را مأمن خود یافتند.

اهمیت مکانی بم

بم بر سر راه هندوستان، و در چهار راه ارتباطی خراسان، فارس و بنادر هرمزگان قرار دارد. به روایت ساده تر، می توان گفت که بم محل برخورد دو جاده بزرگ بازرگانی مشرق زمین یعنی، جاده ابریشم و جاده ادویه بوده است. رونق بافندگی و حجم قابل توجه محصولات کشاورزی در بازرگانی جهان اسلام، جایگاه مهمی به این شهر بخشیده است. گزارش های مقدسی و ابن حوقل درباره بافندگی در بم، به ویژه تأکید بر صادرات آن، گواه محکمی در پیوند بازار بم با بازارهای دور و نزدیک است.

صاحبان ادیان و مذاهب در بم

شاید صرف فعالیت تجاری و موقعیت ترانزیتی زمینه ای برای حضور صاحبان افکار و ادیان مختلف را فراهم آورد، که از این حیث شهر بم ویژگی شاخصی داشته است. مذهب ساکنان شهر، پس از فتح بم و اسلام آوردن آنان، سنی با اکثریت شافعی بوده است. با ظهور خوارج در تاریخ اسلام و حرکت آن ها به جنوب شرقی ایران و کرانه های خلیج فارس، بم نیز از مراکز خوارج ایران به شمار می آمد.

حضور و آوازه خوارج بم در گزارش های برجای مانده قابل توجه است و همگی از مساجد و دارایی های آن ها در این شهر یاد می کنند. زرتشتیان نیز از جمله اقلیت های دینی بم بوده اند. نزدیکی بم به هفستان، که حوزه فعالیت اسماعیلیه بود، و قرار گرفتن آن بر سر راه هندوستان به عنوان آخرین مرکز باطنیان، زمینه نفوذ این فرقه در بم را به وجود آورده است. اقلخان محلاتی شورش خود علیه پادشاه ایران را در بم اعلام کرد. از سوی دیگر، بم به ویژه از سده های هشتم و نهم هجری به این سو، سرزمین و خاستگاه صوفیان و عرفای نامی بوده است. کسانی چون سید طاهر الدین بمی، صاحب "بم نامه"، میرزا نعیم و رونق علی شاه و همچنین وجود آثاری چون خانقاه بم و کتابی مانند "رساله مقدمات عرفای بم"، شهادتی به این مدعاست.

آثار تاریخی بم

بی گفت و گو مهم ترین اثر تاریخی موجود در بم همان ارگ تاریخی است که از آن چنان اهمیتی برخوردار است،

که سایر آثار دیگر را تحت الشعاع خود قرار داده است. با این حال، آثار مهم دیگری نیز خارج از حصار ارگ وجود دارند، که هر یک یاد آور برگی از تاریخ و فرهنگ شهر هستند. مهم ترین این آثار عبارتند از: "قلعه کوهک" که به "قلعه دختر" نیز معروف است، و ویرانه های آن در 1/5 کیلومتری ارگ تا قبل از زلزله پابرجا بود. ناکتون درباره این بنا کاوش های باستان شناسی کاملی صورت نگرفته است. بسیاری آن را کهن تر از ارگ دانسته و به راحتی می توان آن را در شمار پرستش گاه های اناهیتا قرار داد. نگارنده پیش از وقوع زلزله عکس هایی از تصاویر آتشدان روی دیوارهای نیمه ویران تهیه کرده که موجود است.

بنای دیگر، مسجد اهل سنت است، که ویرانه های آن در فاصله یک کیلومتری شرق بم باقی مانده است. این بنا نیز مورد بررسی پوپ قرار گرفته و به احتمال زیاد همان مسجد تاریخی اهل سنت در محله بزازان بوده است. خانقاه و مقبره نیز از بناهای این شهر است که در شمال شرقی بم و نزدیک مسجد رسول قرار دارد، که به احتمال زیاد هسته اولیه آن متعلق به دوران سلجوقی است و در طول زمان، بخش های جدیدی به آن افزوده شده است. بنای دیگری که می توان از آن نام برد، قیصریه است که با کاربری بازارچه، در جنوب غربی ارگ واقع است و معماری قجری دارد.

بم در پهنه افسانه ها

شاهنامه فردوسی آینه ای تمام نما از فرهنگ و تاریخ شاهان افسانه ای ایران زمین و از شاهکارهای ادبیات حماسی جهان است. حضور پر رنگ بم و ارگ آن در این کتاب نشانگر ریشه مشترک تاریخی و اساطیری آن است. شایان توجه این که محل وقوع صحنه های تاریخی شاهنامه در ارگ مشخص است و تا به امروز به همین نام شناخته می شود. در این جا داستان هفتاد را بر پایه شاهنامه بازنویسی می کنیم:

چون کیخسرو از گیتی سرخورده گشت، گردان ایران را همی به پیش خویش فرا خواند. چنان که رستم و زال را نیز از سیستان. آن گاه فرمان داد تا مردم و بزرگان در بیرون شهر انجمن آراستند. در آن انجمن پس از اندرز فراوان، فرمان هر سرزمین را به نام پهلوانی کرد. آن چه به رستم رسید، خواسته زال بود:

نوشتند عهدی ز شاه زمین	سرافراز کی خسرو پاک دین
ز بهر سپهبد گو پیلتن	ستوده به مردی به هر انجمن
ز زابلستان تا به دریای سند	مه کابل و دنبر و مای هند
دگریست و غزنین و زابلستان	روار و چین تا به کابلستان
هم او را بود کشور نیمروز	سپهدار فیروز و لشگر فروز
بدو داد منشور و کرد آفرین	که آباد بادا به رستم زمین

رستم سالیان سال به سرزمین خویش فرمانروا بود. کارهای بسیار کرد، چون نبرد با اسفندیار رویین تن، پدر بهمن و کشتن او، و رفتن به پیشگاه سلیمان به نمایندگی لهراسب پسر و جانشین کیخسرو. رستم در این دیار به سلیمان دل بست و به دین وی در آمد. در بازگشت، چاه کن و درودگر را با خود به ایران آورد، و دستور داد چاهی ژرف بر فراز تپه بم کند. از این رو، آن چاه را از کرده سلیمان و رستم هر دو می دانند.

سال ها گذشت، و رستم نیز به دست شغاد از پای در آمد. بهمن که پس از مرگ پدر برای پرورش به رستم سپرده شده بود، یلی شد و به نزد نیا بازگشت. چون نیا بمرد، بهمن بر تخت نشست و نخستین خواسته خویش خون خواهی پدر را گفت. بزرگان و پهلوانان را گرد کرد. سپاه آراست و رهسپار سرزمین نیم روز شد. زال پیر را یافت و در بند کرد. فرامرز پسر رستم در برابر دشمن، گردان سیستان را به گرد خویش فراخواند. سرانجام دو سپاه در برابر هم ایستادند، نبردی سخت روی داد.

ز چاک تبرزین و جر کمان	زمین گشت جنبان تر از آسمان
سه روز و سه شب هم برین رزمگاه	به رخشنده روز و تابنده ماه
همی گرز بارید و بولاد و تیغ	ز گرد سپاه آسمان بست میغ

روز چهارم گردبادی به سوی سپاه فرامرز در گرفت. سپاهیان بهمن زمان را نیک یافتند و بر سر سپاه سیستان تاختند. بسیار را کشتند و فرامرز را زخمی به دست بهمن سپردند. بهمن دستور داد، کمی از آن سوی میدان چوبه ای آوردند و بر پای کردند و فرامرز را به دار آویختند. امروزه، در بم، به جایی که چوب را آوردند "دارستان" و جایی که فرامرز را به

دار زدند "دارزین" گویند. بهمن به یادمأن این پیروزی در آوردگاه خویش دژی استوار ساخت، به نام بهمن که کوتاه شده آن ارگ "بم" است.

در سراسر پادشاهی بهمن، دخترش "همای" و فرزندش "دارا"، گماشته ای از سوی آنان بر ارگ فرمان می راند، تا اینکه اسکندر ناخجسته بر ایران تاخت. اسکندر خراسان، عراق، فارس و کرمان را به انطحن "یا همان آنتیوخوس" سپرد. او چهار سال فرمان روا بود، تا اینکه به دست اشک پسر دارا کشته شد. در روزگار اشکانیان نام فرمانروایان بم و کرمان را نمی دانیم، مگر واپسین آن ها، بلاش اشکانی، که به دست اردشیر بابکان از میان رفت.

اردشیر تا همد نیز تاخت و بر سراسر ایران زمین چیره شد. هیچ کس را یارای ایستادن در روی او نبود، مگر هفتواد نامی از بم، که داستان آن چنین است:

در عصر باستانی، هر کس را هفت پسر پی در پی از مادری آمدی، هفتمین را هفتواد می نامیدند. چه "واد" به پارسی "پسر" را گویند. این "هفتواد" مردی بود در بم که زندگی به نداری و سختی می گذراند. او را نیز هفت پسر بود و یک دختر. آیین آن روزگار بود، که دخترکان دهقان همه روزه هم گروه می شدند، چرخ و دوکدان ها، پشم و پنبه بر می گرفتند، چاشت بر می داشتند و از دروازه شهر به در می شدند. آن جا انجمن می آراستند. هر یک رشتنی خود را می رشت، همه با یکدیگر چاشت می خوردند و شامگاهان به خانه بازمی آمدند. روزی چنان شد، که دختر هفتواد به هنگام رفتن سببی یافت که باد از درخت افکنده بود. برداشت با خود برد. چون خوردن خواست، کرمی به میانش دید، برگرفت در دوکدان انداخت. آن روز، به دو چندان روزهای پیش رشتنی برشت. شامگاهان خانه آمد. مادرش شاد شد. دگر روز او را سه برابر رشتنی سپرد. دخترک به آسانی برشت و این نیرو را از داشتن کرم یافته بود. همه روز کرم را در دوکدان می نهاد و از پاره سیب بدو می داد. پدر را نیز آگاه ساخت، سخت شاد شد.

از بودن کرم، کار هفتواد و فرزندان روز تا روز بالا گرفت، تا بدان جا که در بم سرمایه ای بزرگ فراهم آورد و سخت آوازه در کرد. کرم نیز چنان بزرگ شد که دوکدان بر اندامش تنگ گشت. از این رو، در دیگران جایگاهی شایسته برای آن ساختند. هفتواد چنان نیرومند شد، که گروهی انبوه زیر پرچم او گرد آمدند و به داشتن کرم، شهر و ارگ بم را بدست آورد. سپس پسر بزرگش، شاهوی را به نرمانشیر جیرفت و رودبار فرستاد و آن جا را بگرفت. آن گاه بر فراز ارگ جای کرم را درست کردند، که یادمأن آن دروازه ای از ارگ "کت کرم" نام یافت.

چندی گذشت، هفتواد کرم را بر دو گردونه ای نهاد و در پیشاپیش سپاه به گواشیر، شهری که تازگی اردشیر بابکان ساخته بود، تاخت. نبردی در گرفت. گواشیر را به چنگ آورد. سپس بر سراسر کرمان چیره شد و هر جای آن گماشته ای گمارد. آن گاه فرمان کرد تا دژی استوار ساختند، کرم را در آن جای داد و یکصد پاسبان گرد آن نشاند.

این همه، به هنگامی بود که اردشیر از هندوستان باز می گشت. تا بشنید، سخت در خشم شد. سپاه آراست و بی درنگ بر سر هفتواد تاخت. هفتواد نیز لشکر ساز کرد و به برابر او شتافت. کرم که اژدهایی شده بود پیشاپیش سپاه جای داشت. بام تا شام نبرد بود و از این همه ستیز و آویز، اردشیر روی پیروزی ندید. در سپاهش گرسنگی افتاد؛ از آن جا کوچ کرد، دو فرسنگ پس نشست و گفت: "این کار را خوارمایه نتوان گرفت؛ تا زمین بر ندارم از پای ننشینم".

پس فرمان داد "شهرگیر"، سپهسالار بزرگ او، سپاه را در همان جا باز دارد، آن گاه خود جامه خربندگان کرمانی پوشید و ده سر خر از افزار پنبه و ران بار کرد، مشتی سیاه دانه زهرآگین نیز برداشت، هفت تن از کسان خویش را همراه کرد و رو به سوی دژ کرم نهاد. شهرگیر را گفت که چون کار کرم را به پایان برم، آتشی بزرگ خواهم افروخت، اگر شب باشد، پرتو آن در کمین گاه شما دیده می شود و گر روز باشد، دود نشان آن است.

پس بی درنگ آهنگ دژ کرد. پاسبانان دژ تا خربندگان را بدیدند به گرد ایشان در آمدند. اردشیر گفت: "چون نیروی این کرم دانسته ام پیشکشی آورده ام" و همگی را سخت باده نوشانید، چنان تا، ز خود بی خود شدند. شهنشاه، زمان نیک یافت، سیه دانه زهرآگین بگشود، پیش روی کرم نهاد تا بخورد. خوردن همان و مردن همان. سپس اردشیر با هفت مرد همراه تیغ بر کشید و پاسبانان را همه بکشت. آن گاه آتشی بزرگ برافروخت. "شهرگیر" دود آن بدید، با لشکر به دژ تاختن کرد. هفتواد نیز تا چنین دریافت، لشکر آراست و به نبرد پرداخت. دیری نشد، مردان هفتواد پراکنده گشتند و اردشیر بر بم چیره آمد. (برای دیدن عکس ها به کتاب بم مراجعه شود.)



عکاسی با اسکنر

مسعود سهیلی

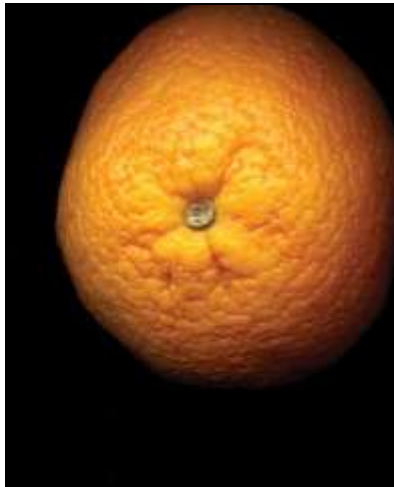
مجله عکاسی خلاق- بهار 1385

دیجیتال با عرضه محصولات جدید، عرصه نوینی را به روی عکاسان باز نمود. تولید ابزار جدید در روند تکامل دیجیتال و با هدف مشخص جایگزین کردن و تکامل نگاتیو مسیر خود را طی می کند. اما آیا خود طراحان و تولیدکنندگان از کاربری های متفاوت محصولات جدید آگاهی کامل دارند؟



اسکنر برای تصویر برداری از نوشته ها و عکس های موجود تولید گردید. بعدها، این وسیله برای تصویر برداری از مستندات قدیمی و ایجاد بایگانی دیجیتالی، چه عکس عکاسان، چه مکاتبات اداری... مورد استفاده قرار گرفت؛ کاری که قبلاً توسط دوربین نگاتیو، سه پایه کپی و فیلم سیاه و سفید ASA 32 انجام می شد. اما کارکرد این وسیله در همین جا خاتمه نیافت. استفاده از اسکنر به جای دوربین مسیر خود را ادامه داد. کالاهایی که تصویر سطح آنها مورد نظر بود، روی صفحه اسکنر قرار گرفتند: کاشی، سرامیک... شرکت های تبلیغاتی و گرافیک ها، کاشی و سرامیک... را روی صفحه اسکنر گذاشتند و با استفاده از محصول آن در فتوشاپ آگهی های تبلیغاتی ساخته شد.

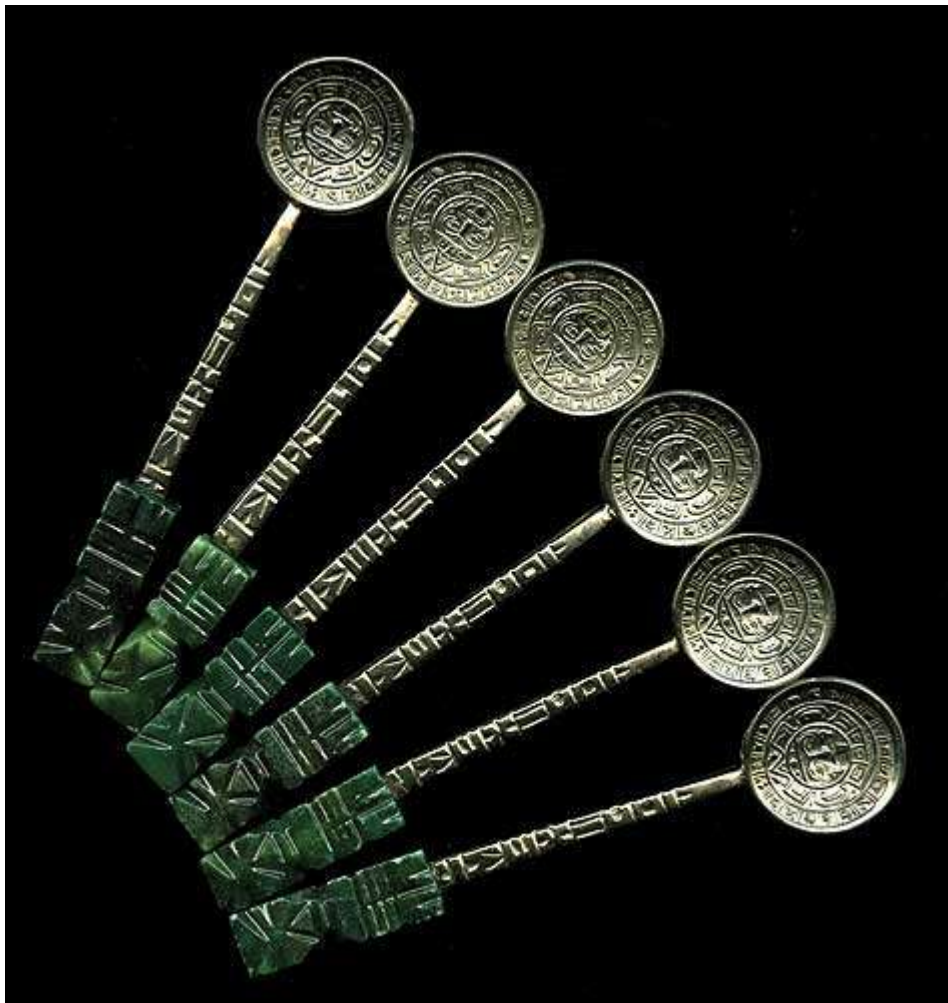
از یک اسکنر Epson 1670 برای تست و گسترش این روند استفاده کردم. اسکن را از اشیایی که بعد کمتری داشتند (مثل صدف) شروع کرده و با استفاده از اشیاء مختلف ضخامت را افزایش دادم. به عنوان آخرین آزمایش یک دوربین عکاسی را روی صفحه اسکنر گذاشتم. نتیجه رضایت بخش بود. اسکنر مانند دوربین عمل می کرد و محصول کار آن عکسی قابل قبول بود.



چند صدف را روی صفحه اسکندر گذاشتم. ابتدا یک مقوای سیاه پشت آن قرار دادم. در مرحله بعد در اسکندر را باز گذاشتم و بدون مقوا اسکندر کردم. نتیجه تقریباً یکی بود، ولی کیفیت اولی اندکی بهتر بود. در هر دو حالت زمینه عکس سیاه بود. تقریباً در مورد تمام اشیاء این روش جوابگوست، بجز شیشه، فلزات و برخی اشیاء تیره رنگ. در صورتیکه زمینه مشکی بین قطعات مورد نظر نباشد، با پر کردن فضای بین قطعات قرار داده شده روی صفحه اسکندر (صدف، ماکارونی...) می توان میزان آن را به حداقل رساند.



برای شیشه و فلز، مقوای زمینه سفید، نتیجه خوبی داشت. برای اشیاء تیره رنگ، انتخاب رنگ زمینه، بستگی به رنگ تیره موجود، نوع آن و هم چنین سلیقه شخصی دارد. یک دوربین عکاسی مشکی با زمینه زرد عکس خوبی است. با توجه به روش نورپردازی اسکندر، همواره رنگ زمینه، نیاز به تصحیح دارد و یا باید آن را با استفاده از برنامه فتوشاپ بطور کامل عوض کرد. استفاده از پارچه به عنوان زمینه همواره پاسخگو نیست، چرا که بافت آن نشان داده می شوند. در این روش، بخاطر شدت نور اسکندر، کوچکترین ذرات گرد و غبار روی شی و یا صفحه اسکندر، عکاسی می شوند. در صورتیکه در اسکندر باز باشد و از مقوای زمینه استفاده نشود، ذرات گرد و غبار در فضای بالای اسکندر نیز تصویر برداری می شوند. به این دلیل همواره باید موضوع مورد نظر عکاسی و صفحه اسکندر را تمیز نمود.



عکس های گرفته شده تا ارتفاع 2 الی 3 سانتی متر بالای صفحه اسکنر از وضوح کامل برخوردارند. بهره برداری از وضوح بیشتر با استفاده از Sharpness در فتوشاپ عملی است، ولی این کار تصویر گرد و غبار موجود را نیز دقیق کرده و ذرات سفید رنگی در زمینه عکس پیدا می شوند، که تصحیح آن تا حد زیادی در فتوشاپ عملی است.

با توجه به اینکه در این روش عکاسی، امکان انتخاب dpi عکس بطور کامل در اختیار عکاس است (استفاده از اسکنر با مدل بالاتر، این توانایی را افزایش می دهد)، امکان عکاسی از جزئیات عملی است. انتخاب رزولوشن 3200، امکان عکسبرداری از جزئیات یک سنگ کوچک 2x2 سانتی متر را عملی می کند. نتیجه با دقت بالا و کیفیت خوب، جزئیات بافت آن را نشان می دهد، که خود نوعی نقاشی دیجیتال هم هست، کاری که ممکن است با دوربین عکاسی عملی نباشد.

تفاوت اساسی این روش عکاسی با عکاسی با دوربین، عدم امکان کنترل نور موجود می باشد. اسکنر به جای عکاس تصمیم می گیرد؛ ولی عکاس با تغییر موقعیت شی روی صفحه اسکنر، می تواند تا حدودی نور را تنظیم و عکس مورد نظر را بدست آورد. این روش جهت استفاده در عکاسی تبلیغاتی، با نور زیاد که تمامی کالا مشخص است، نتیجه قابل قبولی دارد. هم چنین در ماکروفتوگرافی نتایج بسیار خوبی بدست می آید و در تهیه تصویر جزئیات نیز نتایج دقیقی حاصل می شود.

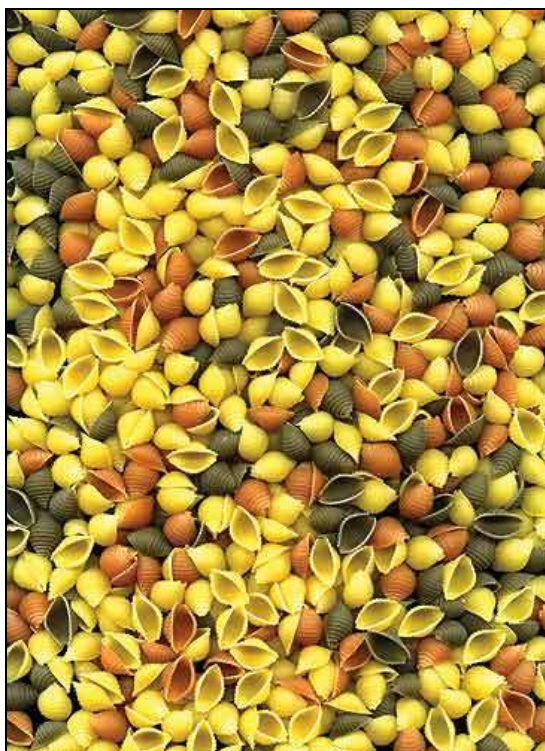


هر چند که در این روش عکسبرداری کنترل نور در اختیار عکاس نیست، ولی استفاده خلاقانه از اسکنر، امکان تهیه کارهای هنری و علاوه بر آن کارهایی متفاوت با عکسهای دوربین عکاسی را به عکاس می دهد. در ماکروفتوگرافی امکان تهیه عکس از جزئیات یک شیء در حدی است، که دوربین عکاسی قادر به عکسبرداری از آن نمی باشد و طبیعتاً نتیجه کیفیت بسیار خوبی دارد.

فراموش نشود:

- سوژه مورد نظر عکسبرداری کاملاً تمیز و عاری از گرد و خاک باشد.
 - صفحه اسکنر تمیز باشد. با استفاده از ششوار می توان غبار روی صفحه اسکنر را بطور کامل برداشت.
 - اشیاء به آرامی روی اسکنر قرار داده شوند، تا صفحه اسکنر خط نیافتد.
 - اشیاء سنگین را روی اسکنر قرار ندهید.
 - در صورتیکه اشیاء تر و خیس یا چرب را اسکن می کنید، بلافاصله صفحه اسکنر را تمیز نمایید.
- برای دیدن عکسهای بیشتر، به آدرس زیر در اینترنت مراجعه شود:

www.MasoudSoheili.com/Research/Scanography/Scanography.html





انجمن های عکاسی

حسن سربخشیان

پائیز 1385

نگاه عکاس به محیط خود از اهمیت ویژه ای برخوردار است. باید چشم خود را آموزش دهیم، تا آنچه دیگران نمی بینند، ما ببینیم! دشوار، اما ممکن! بیش از دو دهه تجربه عکاسی به من آموخت، دیدن عکس و بطور کلی ارتباط مستمر با عکاسی، مطالعه زیاد، شناخت جامعه و تجربه! تجربه شخصی کمک بزرگی در رسیدن به این هدف است.

با تدریس در رشته عکاسی خبری دریافتم، دانشجویان علاقمند به این رشته وسوسه انگیز، که آوای شهرت از آن بر می خیزد، در شرایط مطلوبی نیستند، علیرغم آنکه امکان دسترسی به منابع و اطلاعات قابل مقایسه با 20 سال پیش نیست. هر چند باید تلاش برخی از عکاسان خوب و مسلط را برای تثبیت جایگاه خود بین عکاسان ارج نهاد.

عدم آشنایی با اصول مورد نیاز در این کار، بی شک یکی از این موارد است. در این شرایط فعالیت انجمن های حرفه ای، که وظیفه هدایت عکاسان علاقمند را به عهده دارند، حائز اهمیت است. این سازمان ها می بایستی واحد آموزش خود را فعال و در جذب استعداد های جوان تر کوشا باشند.

در این میان انجمن عکاسان کانادا می تواند نقش مهم تری ایفا کرده، و پل ارتباطی میان عکاسان داخل کشور و عکاسان خارجی بوده و باعث ارتقا دید عکاسان گردد. نیاز به فعالیت های تخصصی این مراکز بیش از پیش احساس می شود و امید است برای سر و سامان دادن به وضع آشفته عکاسی این دیار، با برنامه های مشخص و مدون فعالیت های عکاسان را ارتقا داد.

گالری هفت ثمر

تهران، خیابان مطهری، کوه نور، کوچه پنجم، پلاک 25

تلفن 8873-1403

از گذشته ها

افشین شاهرودی

مجله عکاسی خلاق، زمستان 1384

چند سال پیش، دوستم محمد کیهانی (نقاش) شاد و سر حال تلفن کرد که به خانه اش بروم. به خیال اینکه می خواهد حال و هوای خوشش را با من قسمت کند؛ رفتم. به محض ورود پاکت خاک آلوده پاره پوره ای را آورد و از داخل آن تعدادی عکس رنگ و رو رفته قدیمی و جلد یک آلبوم عکس کهنه را که با یک نقاشی گل و مرغ تزیین شده بود جلویم گذاشته: - اینها را توی یک زباله دانی پیدا کردم!

عکس ها عمدتاً مربوط به زمان قاجار بود ولی در میان آنها همه جور عکسی دیده می شد. از عکس های کهنه ای که در آنها دست و پا و سر آدم ها به خاطر اکسپوز طولانی تار بود تا عکس هایی از مظفرالدین شاه در سفر فرنگ و عکس های که معلوم بود سی چهل سال قبل در ینگه دنیا انداخته شده است. دوستم جلد آلبوم را خودش برداشت و عکس ها را به من بخشید.

این قضیه همزمان بود با تولد عکسنامه، به سردبیری دوست دیگرم/سماعیل عباسی. چند تایی از آن عکس ها را با یادداشت کوتاهی به عنوان هدیه تولد عکسنامه برای چاپ به او دادم، که در شماره دوم چاپ شد. اما این فکر برایم پیش آمد که چه بسیار عکس های با ارزش تاریخی که در دست افراد بی اطلاع دارد خراب می شود، از بین میرود و دور ریخته می شود. این مرا به فکر جمع آوری عکس های قدیمی انداخت. به خصوص پرتره که حسی نوستالژیک از گذشته ها را در آدم ایجاد می کند.

مدت ها در ویتترین های غبار گرفته عتیقه فروشی ها و بساط کهنه فروشی ها دنبال عکس های قدیمی می گشتیم و بارها اتفاق افتاد که عکس هایی را از لابلای کاغذ پاره ها و نامه های قدیمی آلبوم خانوادگی دوست و آشنا و فامیل با خواش و تمنا و اصرار گرفتیم و به مجموعه ای اضافه کردیم، که در پاکت پلاستیکی در کتابخانه ام کم کم به یک جمعیت تبدیل شد. این روزها از توی قفسه کتاب هایم صداهایی می شنوم، صداهایی از گذشته ها. صداهایی که ما را خطاب می کنند. این عکس ها بخشی از آن صداهاست. مجموعه ای که گردآوری آن از یک زباله دانی آغاز شد.



تا آنجا که اطلاعاتم قد می دهد این عکس ها برای اولین بار است که منتشر می شوند. انتخاب آنها هم بر اساس سلیقه و حس زیبایی شناختی شخصی صورت گرفته است. اطلاعات مختصری هم که همراه بعضی از آنها آمده، از یاداشت ها و علانمی گرفته شده که در حاشیه، زیر و یا پشت آنها دیده می شود. بعضاً هم بر اساس دانسته های آقای دکتر محمد ستاری استنباط شده است.

برای دبین عکس های این مقاله به مجله سال دوم، شماره پنجم، زمستان 1384 مراجعه شود.

کویر

مسعود سهیلی

مجله عکاسی خلاق، پائیز 1384

بیابان های پوشیده از ماسه نرم، با اختلاف درجه حرارت شب و روز 55 درجه سانتیگراد (70-15) در تابستان، و با رطوبت نسبی تقریباً صفر، بخش زیادی از مناطق نیمه استوایی را می پوشاند، و فقط هر جا چشمه ای از آب است، شهری بر گرد آن، با رنگ یکنواخت خاکی کویری، و اندک سبزه ای هم و بندرت ابری در آسمان.



بخش عمده کشور ایران را کویرهایی این چنین تشکیل می دهد. مناطقی با سکنه ای نه چندان کم، که همگی خود را با محیط تطبیق داده اند.

تابش گرم آفتاب و هوای خشک، انسانهایی خونگرم، بادهای موسمی، انسانهایی صبور و محافظه کار، و خطوط و سطوح ملایم کویر، انسانهایی آرام را در دل خود پرورانده است. انسانهایی منطبق با محیط، با لباس های پوشیده و بلند و با رنگهای شاد و تند، پوشاننده رنگ یکنواخت کویر، با پوست تیره و ضخیم، ناشی از تابش شدید آفتاب طی قرون متمادی.

در اوج تابش خورشید، ظهر تا نزدیک غروب، زندگی اجتماعی تعطیل است و مردم به سرپناه خصوصی خود میروند و طبیعتاً شب طولانی، و ایضا علاقه خاص تاریخی به افیون.



Photo: Masoud Rahimi

ریتم زندگی کند، فراغت ناشی از گرما و نتیجتاً سطح پائین تر زندگی، و هم چنین قدمت این گونه مناطق که باعث جذب توریست نیز گردیده است، موجب شده تا صنایع دستی هم کماکان موقعیت خود را در این مناطق حفظ نماید و در بهترین حالت، ابزار آن بخشاً مکانیزه گردد: قالیبافی، گلیم بافی، زیلو، حاجیم بافی، پارچه بافی، سفال و سرامیک... کویر همواره مهد پیدایش مذاهب بوده است، زرتشتی، مسیحیت و اسلام. چک چک زرتشتیان دنیا در مجاورت شهر کویری یزد در ایران است. هم چون بنارس هندوها، مکه مسلمانان و اورشلیم یهودیان، تمامی، در چنین سرزمینی قرار دارند. مردمان معتقد به سنت ها و آئین در گذشتگان و ایضاً خرافات.



تابش شدید خورشید طی قرون و اعصار متمادی، معماری مناسبی را در منطقه شکل داده است. با استفاده از مصالح خاص که از خاک کویر گرفته شده و فرم خاص مورد نیاز کویر، دیوارهای قطور و بلند، سقف مرتفع، حوض، فواره و بادگیر، و بدون استفاده از سیستم سرمایش مدرن، خنکی تابستان فراهم می گردد.



گروهی از حیوانات این کره خاکی با این آب و هوا خود را تطبیق داده اند و به راحتی در چنین آب و هوایی میزیند: خواب روزانه و زندگی شبانه. عقرب، نژادی از گربه سیاه وحشی ... و شتر- کالسکه صحرا. و انسان، روز در کویر در امان است. یکی از بهترین تیره های گربه دنیا، با موی صاف و بلند، متعلق به شهر کویری یزد ایران است. کویر کشاورزی خاص خود را دارد: پسته، انار و خشخاش؛ غذا و شیرینی های خاص خود، شیرین. شیرین! و توری جهت خواب شب، فارغ از حشرات.



هجوم نور، خطوط و سطوح نرم، رنگ یک دست و یکنواخت محیط، در تقابل رنگ های تند و شاد انسانی ... در صورتیکه عکاس تحمل گرما را داشته باشد، عکاسی را ساده تر و جذاب تر می کند.

استفاده از فیلم ISO 100 روز، جواب بسیار خوبی دارد: دیافراگم بسته و سرعت بالا. برای خوش رنگ تر شدن آسمان، فیلم کونیکا با رنگ آبی غالب و فیلتر پولاریزه کمک بزرگی اند. پوشش مختصر سبز گیاهی محیط در حاشیه عکس، مکمل خاکی کویر است و آبی آسمان، و لباس محلی الوان، تزئینی بر آن. وسعت کویر نیاز به استفاده از لنز واید و فیش-ای را الزامی می کند و عکس پانوراما بهترین پاسخ است. در عکاسی دیجیتال، استفاده از فیلتر پولاریزه الزامی است.





Pistachios



Old Weaving Machine